



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

بررسی معماری ایرانی با تاکید بر هنر ایرانی-اسلامی

نویسنده اول^۱ سید برهان صالحی ریحانی ، نویسنده دوم^۲ سمیرا زارع نژاد

۱- دانشجوی کارشناسی مهندسی معماری، دانشگاه علم و فرهنگ شعبه تهران، تهران، ایران

borhan.salehi1451@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گرایش آمایش شهری، دانشگاه پیام نور، واحد رشت، ایران

Samira.zarenezhad@gmail.com

چکیده

تمام هنرهایی که ریشه در در ادیان الهی دارند، به گونه ای با عرفان و معنویت پیوند دارند، هنر قدسی جلوه گاه کمال زیبایی در اثر هنری است و کمال زیبایی در حکمت باطنی اسلام، تجلی توازن اسماء الهی است و در هنر اسلامی هنرمندی می تواند به آن زیبایی دست پیدا کند که خود اهل معنی و کمالات الهی باشد، حس زیبایی شاخه ای از حس معنوی است و از دیدگاه عرفان کمال زیبایی و کمال انسانی یکی است. در هنرهای اسلامی ایرانی و حتی هنرهای شرقی غیر اسلامی رویکرد تعالی بخشیدن از طریق اثر هنری به مخاطب جنبه قوی تری دارد از این رو وقتی رویکرد های متفاوت هنر شرق و غرب را بررسی می کنیم، در هنر اسلامی بیشتر هنرمندان تمرکز خود را صرف کمال زیبایی شناسی از طریق پرداختن مفهوم وحدت کرده اند. با این همه هنر اسلامی ایران جدای از کلیت هنر اسلامی نیست و تفاوت آن با هنر اسلامی دیگر کشورها، وجود ریشه های ما قبل اسلام است و بین شاخه های مختلف هنر اسلامی با انواع هنرها و حتی معماری ایرانی در گذشته پیون ناگسستنی وجود دارد

کلیدواژگان: معماری، معماری ایرانی، هنر ایرانی-اسلامی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

-مقدمه و بیان مساله

هنر به عنوان زبان مشترک تمام مردم دنیا، نقش مهمی در تمام ادوار زندگی انسان ها داشته است و هنر همواره در تمام ادوار یکی از عناصر اصلی در تمدن و فرهنگ هر تمدنی به شمار می رفته است. در این میان، میراث هنری تمدن ایران زمین در دنیای هنر دارای جایگاه بسیار عالی قرار داشته است. رابطه هنر و دین از موضوعاتی است که در تمام آثار هنرپژوهان به آن پرداخته شده است. حال، برخی معتقدند دین و هنر کاملاً مقوله های جداگانه ای هستند و هنر نباید در هیچ محدودیتی قرار بگیرد، از طرفی برخی دیگر معتقدند هنر باید در چهارچوب دین حرکت کند تا به تعالی برسد. در این راستا کریستین پرایس، یکی از هنرپژوهان غربی، شکوفایی هنر اسلامی را از اثرات کشورگشایی مسلمانان و تعامل با فرهنگ و تمدن ملل مختلف می داند و چنین نقل کرده است: «داستان هنر اسلامی، با چکاچک شمشیر و آوای ستم ستوران در بیابان ها و بانگ بلند پیروزی الله اکبر آغاز می شود.» از طرف دیگر گوستاولوبون، تاریخ نگار برجسته فرانسوی، چنین نقل می کند: «مشرق دارای فرهنگ و تمدن ریشه ای بوده و اعراب، مردمانی آشنا به تمدن بوده اند.» با این حال، هنر پیش از حمله اعراب مسلمان به ایران و پیروزی اسلام دارای پیشینه ای قوی بوده است و قابل انکار نیست اما پس از پیروزی اسلام، همواره میان هنر و مذهب ارتباط تنگاتنگی وجود داشته است و محققان مسلمان بر حلول حکمت اسلام در هنر همواره اذعان دارند. پس از تعریف و تفهیم مفهوم هنر اسلامی می توان به خلق آثاری مناسب با فرهنگ بومی و منطقه ای کشورهای مسلمان چون کشور ایران نمود که با طراحی ساختمان ها با تعمق در هنر اسلامی می توان نمادی از تبلور هنر و مذهب در معماری این مناطق به منصف ظهور رساند. از زمان اسلام تا به امروز معماری اسلامی در بر گیرنده طیف گسترده ای از سبک های سکولار و مذهبی است که بر روی طراحی و ساخت سازه ها در فرهنگ اسلامی و فراتر از آن تاثیر داشته است. انواع معماری اسلامی عبارت است از: مسجد، آرامگاه، کاخ، قلعه، مدرسه و ساختمان های شهری. این سبک همچنین اصول و واژگان غنی را برای ساختمان های کم اهمیت تر ارایه کرده است. معماری اسلامی طیف وسیعی از مساجد، مقبره ها، کاخ ها و قلعه ها را در سراسر جهان در بر گرفته است، به خصوص در کشورهایی که توسط مسلمانان در قرن هفتم تسخیر شدند. توجه به معماری اسلامی در طراحی و ساخت و سازه ها دارای اهمیت است. در نظر گرفتن معماری اسلامی بعنوان محصول فرآیند معماری است. معماری اسلامی - ایرانی در فرهنگ تشیع میراث گران قدری است که از نسل های گذشته به یادگار گرفته شده و نمونه های ارزشمند آن در نظام برنامه ریزی، طراحی و مدیریت شهرهای تاریخی ایران به خوبی قابل مشاهده و بازشناسی می باشند. رابطه معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی با مبنای نظری، اصول فقهی اسلام، و آیات کتاب آسمانی و کلام وحی، گنجینه ای ارزشمند در هدایت و توسعه معماری و شهرسازی معاصر ایران خواهد بود. دستیابی به یک الگوی طراحی با فرآیندی برای معماری ایرانی اسلامی امری ملزوم است. به این منظور با بیان برخی دیدگاه ها و نظریات موجود در این زمینه و طراحی و تبیین راهکارهای بسیاری، توسط آن، برای حل بحران های معاصر ارایه شده است؛ ولی همچنان مشکلاتی در سر راه ایجاد معماری اسلامی وجود دارد. به نظر می رسد که با رفع موانع از طریق توجه به ارزش ها و ویژگیهای معماری اسلامی، می توان آن را کامل نمود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

-پیشینه مطالعات انجام شده

پژوهشگران عرصه هنر همواره به دنبال مفهوم هنر در دوره های مختلف بوده اند و یکی از مهم ترین این دوره ها دوره ظهور اسلام می باشد.

محمدجواد مهدوی نژاد و سیما رضایی آشتیانی در پژوهشی به نام "رویکرد حکمی به تعریف چیستی هنر اسلامی" به بیان چگونگی تاثیر حکمت اسلامی بر هنر سنتی پرداخته اند. در این پژوهش تلاشی برای تعریف هنر اسلامی با رویکرد حکمی، نظریه پردازی در باب چیستی هنر اسلامی با رویکرد حکمی، شناسایی ظرفیت های نگاه حکمی در بازخوانی ریشه های نظری، بنیان های فکری هنر اسلامی و ترسیم چشم اندازی برای آینده با هدف تعریف هنر معاصر اسلامی با رویکرد حکمی، صورت گرفته است. بنابر یافته های این پژوهش، رویکرد حکمی به هنر اسلامی، نگرشی درون زاست که موجبات تعریف هنر اسلامی پیشرو را فراهم می آورد و تبلور عینی آن را می توان در مکتب اصفهان به خوبی مشاهده کرد (مهدوی نژاد، رضایی، ۱۳۹۸).

دکتر زهرا رهنورد در پژوهشی تحت عنوان "مقدمه ای بر حکمت هنر اسلامی" سعی می کند، یک عنوان درسی به عنوان « حکمت هنر اسلامی » را، از پرده ابهام خارج نماید و به عرصه نقد و نظر و وضوح معنایی راه دهد. نکته مهم این تحقیق از آنجا شروع می شود که نویسنده، نظریه تازه ای را بر اندیشه قدما و معاصرین می افزاید و آن نگرش فلسفی و حکیمانه به هستی و زیبایی است که از اسمان فرود می آید، دامن به خاک می آلود؛ به صورتهای عینی و فیگوراتیو و بشری نزدیک می شود اما محتوی و مضمون والای خود را حفظ می کند و دوباره رخت از زمین بر می کند و به آسمان صعود می نماید (رهنورد، ۱۳۷۷).

محمدجواد مهدوی نژاد و الهه ایمانی در پژوهشی به نام "مقایسه تطبیقی نظریه های شاخص در تعریف چیستی هنر اسلامی" به مروری بر تجزیه و تحلیل هایی که تا کنون انجام شده پرداخته اند. این تحلیل ها برای دستیابی به یک هنر فاخر و متعالی در روزگار معاصر بسیار تاثیرگذار است. با بررسی دستاوردهای محققان در این زمینه هشت دیدگاه و گرایش باز شناسی شده است: هنر سرزمین های اسلامی، هنر مسلمانان، هنر برگرفته از نصوص دینی، هنر هندسی و انتزاعی، هنر مقدس، هنر با محتوای دینی، هنر اسلامی شامل همه موارد فوق (مهدوی نژاد، ایمانی، ۱۳۸۹).

همچنین مهدوی نژاد در پژوهشی تحت عنوان "هنر اسلامی در چالش مفاهیم معاصر و افق های جدید" به چیستی هنر اسلامی واقعی پرداخته است. و پژوهی دستاوردهای هنر پژوهان در این زمینه منجر به باز شناسی شش تعریف پایه ای گردید. که سایر فرضیات را می توان زیر مجموعه ای از آنها به شمار آورد. در این تعاریف هنر اسلامی به مثابه هنر مقدس، هنر جهان اسلام، هنر مسلمانان، هنر با محتوای دینی و اسلامی، هنر عربی، هنر انتزاعی و هندسی و یا ترکیبی از تمامی موارد فوق معرفی شده که هیچکدام نمی توانند، به تنهایی و به صورت جامع و مانع معرفی هنر اسلامی باشند، اما هر یک به نوبه خود، روزنه ای به ارایه تعریفی فرهیختار، در این زمینه می گشایند، که تجلی عناصر سلبی و ثبوتی الهی، وحدت و یگانگی است، به عبارت دیگر تراهر نمایه هنر اسلامی، هنر توحید است.

عبدالحمید نقره کار در پژوهشی تحت عنوان "حسن شناسی، سرچشمه آثار هنر اسلامی" به پاسخ به دو سوال اساسی در حوزه زیبایی شناسی و هنر مورد تحقیق و بررسی پرداخته است:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۱. چه نسبتی بین یک مکتب فکری و اعتقادی با مباحث زیبایی شناسی و هنر وجود دارد؟
۲. در یک بررسی تطبیقی بین مکاتب زیبایی شناسی و هنر، مکتب حسن شناسی و فلسفه هنر اسلامی چه جایگاه منطقی ای وجود دارد؟

برای تبیین و دسترسی به سرچشمه های هنر نبوی، در روند خلق و ایجاد آثار هنری از ایده های خود آگاه و ناخودآگاه هنرمندان تا انتخاب سبک و شیوه عمل و در نهایت خلق اثر، آنچه مبنای ارزیابی و نقد آثار هنری خواهد بود. حسن شناسی و زیبایی شناسی انسان هاست و از آنجا که انسان ها در مکاتب مختلف فلسفی و اعتقادی، تعاریفی مختلف و بعضاً متضاد دارند، بنابراین بررسی مباحث زیبا شناسی و هنر مبتنی بر مکاتب مختلف به صورت تطبیقی و استدلالی قابل مطرح خواهد بود و نه توصیفی و نه به شکل مکاتب عادی و لایک و سکولاریتی (نقره کار، ۱۳۸۵)

رباح سعود در پژوهشی تحت عنوان "مقدمه ای بر هنر اسلامی" به طور خلاصه مفاهیم و ماهیت هنر اسلامی را بررسی می کند و درباره آثار هنری، اشکال تزئینی منقش به گل، اشکال هندسی و هنر خوشنویسی تحقیق می کند. این مقاله تاثیر هنر اسلامی بر دیگر فرهنگها به خصوص فرهنگ اروپاییان را مورد بررسی قرار می دهد (سعود، ۱۳۹۵)

خواجا محمدسعید^۱ در پژوهشی با عنوان "هنر اسلامی و پیام معنوی" هنر اسلامی را هنر تمدن مبتنی بر دین اسلام دانسته است. همچنین این هنر را تنها مرتبط با یک دین خاص یا افراد خاص ندانسته بلکه آن را ترکیبی از تمدن های مختلف و شرایط تاریخی است که متلون به جهان بینی اسلامی یاد کرده است. وی در پژوهش خود هنر و آثار پارسی را به عنوان منبع اصلی توسعه هنر نقاشی، معماری و اشکال مختلف هنرهای تزئینی اسلامی در قرون ۱۰ تا ۱۹ یاد کرده است.

شیلا کنبی^۲ هنرپژوه و محقق هنرهای اسلامی در کتابی با عنوان "جزئیاتی از هنر اسلامی" درباره شاهکارهای گنجینه اسلامی در موزه بریتانیا و احوالات هنرمندان مسلمان را مورد تحقیق قرار داده است. وی بر خلاف بسیاری از دانشمندان و شرق شناسان سرشناس غربی، ساختارهای اصلی هنر و معماری اسلامی را نه تنها بر اساس محدودیت و محرومیت مسلمانان نمی داند بلکه نگاهی موافق و جانب دارانه به هنرمندان مسلمان دارد و از حلاوت و لذت هایی که هنرمندان مسلمان از اجرای هنر اسلامی می برند گفته است.

هربرت رید مورخ تاریخ هنر، شاعر، منتقد ادبی و فیلسوف انگلیسی که به خاطر کتاب های فراوانی که در مورد هنر نوشته، از جمله کتابهای مؤثری در مورد نقش هنر در آموزش و نقد هنری شناخته شده است، نیز در کتاب «معنی هنر» ارتباط قوی میان مینیاتورهای ایرانی و آثار ماتیس چنین روایت می کند. «در مینیاتورهای ایرانی و آثار ماتیس می بینیم که رنگها به قوی ترین و خالص ترین کیفیت خود، به وسیله نقاش مشهور انتخاب می شوند و نقاش از آنها نقشی می سازد که از برابر نهادن قوت و ضعف نسبی رنگها و نواحی رنگین پدید می آید».

¹ Khawaja Muhammad Saeed

² Sheila R. Canby



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

وی همچنین در کتاب «فلسفه هنر معاصر» به ذکر جمله‌ای از گوگن می‌پردازد که تأثیر کلام سنبل‌زاده بر گوگن را به کمال می‌توان در آن مشاهده کرد: «برای جوان‌ها خوب است که مدلی داشته باشند اما بگذارید موقعی که نقاشی می‌کنند رویش پرده بکشند. بهتر است با اتکا به حافظه نقاشی کنید چون در این صورت کارتان از آن خودتان خواهد بود. احساس، هوش و روحتان بر چشم هنرمند اماتور (تفنن کار) پیروز خواهد شد».

روبن هیلن برنر در کتاب خود با نام «معماری اسلامی» می‌نویسد: «کتاب حاضر فقط دیدگاه یک فرد درباره‌ی معماری اسلامی را در برمی‌گیرد و ادعایی درباره خلاصه کردن دیدگاه‌هایی که درباره همین موضوع مورد قبول واقع شده‌اند، ندارد. بدیهی است که گام نهادن در راه تلاش و تمرین، قطعاً بدون فایده نخواهد بود. شاید مهم‌ترین فایده‌ی آن بروز تدریجی و متناوب مطالب و انگاره‌ها و فرامحلی شدن کیفیت آن‌هاست. بر همین اساس است پراکندگی برخی از مطالب در متن کتاب نظیر یادآوری مداوم این موضوع که دین اسلام، و جامعه ویژه‌ای که پدید آورد، توانست فواصل زمانی و مکانی را به سادگی درنوردد. فایده‌ی دیگر این روش بررسی، که علیرغم شخصی بودن آن، ارزش گفتن را دارد، این است که هنگام مواجهه با چنین کمیت و تنوعی از آثار، حفظ درجه ثابتی از بی‌طرفی کامل غیر ممکن است. انسان نمی‌تواند در برابر همه‌ی آن‌ها به طور یکسان احساس شیفتگی کند. به همین دلیل، در انتخاب بناهای دلخواهم برای بحث مورد نظر؛ در حد معقولی احساس آزادی کردم».

- مبانی نظری

مفهوم هنر

واژه‌ی استتیک را زیباشناسی معنا کرده‌اند و بحث زیباشناسی همواره توسط دو گروه پی‌گیری می‌شود. هنر در لغت به معنای فن، صنعت، علم، فضل، کیاست، فراست، لیاقت و کمال آمده است (آزادبخت، ۱۳۸۷). معادل عربی این واژه «فن» است. به رغم آنکه مفهوم اصطلاحی هنر بسان مفهوم علم امری بدیهی و شناخته شده برای همگان به نظر می‌رسد، اما نگرستن دقیق تر در مفهوم آن نشان می‌دهد که هنر از جمله مفاهیم ظریف و دقیقی است که ارائه تعریف و تصویری گویا از آن کاری دشوار است.

تعاریف ذیل برخی از دیدگاه‌هایی است که پیرامون مفهوم هنر ارائه شده است:

۱. هنر کوششی است برای آفرینش صور لذت بخشی که حسّ تشخیص زیبایی ما را ارضا کند و این حسّ وقتی راضی می‌شود که ما نوعی وحدت یا هماهنگی حاصل از روابط صوری در مدرکات حسّ خود دریافت کرده باشیم.
۲. هنر تجلی احساسات نیرومندی است که انسان آنها را تجربه کرده است، این تجلی ظاهری به وسیله خطها، رنگ ها، حرکات و اشارات، اصوات و کلمات صورت می‌پذیرد.
۳. کلمه هنر به معنای عام، نتیجه گرفتن از دانایی بوسیله توانایی و عمل است.
۴. هنر وسیله‌ای است برای ثبت و ضبط احساس انسانی در قالب مشخص و نیز انتقال آن در خارج از عوامل ذهن و همچنین تفهیم آن احساس به دیگران است.
۵. هنر یک فعالیت انسانی و عبارت است از اینکه فردی آگاهانه و به یاری علایم مشخصه ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده است، به دیگران انتقال دهد، به طوری که این احساسات به ایشان سرایت کند و آنها این احساسات را تجربه کنند و از همان مراحل حسّی که او گذشته است، بگذرند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۶. هنر در تجربه انسانی، روش خاصی از بیان حقایق زندگی است، (یعنی) اگر زبان علمی یا عادی که ما آن را در زندگی روزمره خود به کار می‌گیریم، دارای این ویژگی است که بیان مستقیم حقایق می‌باشد، زبان
۷. فلاسفه، که در خصوص شناخت هنر و ارایه ی تفسیری از آن به صورت عام و کلی به مباحث نظری و ارایه ی تئوری و سبک شناسی در مورد آن می‌پردازند.
۸. هنرمندان و منتقدان، که همیشه سعی می‌کنند به هنر به صورت موردی و در مصادیق خاص و منحصر به فرد بپردازند (افشار، ۱۳۸۵).

عده ای می‌گویند: «هنر زیبایی است» و از ویژگی های عامی که همه برای هنر نام می‌برند، «ویژگی زیبایی آن است» یا «هر چیز که ساخته ی آدمی و زیبا باشد» سؤال دیگری که مطرح می‌شود، این است که «زیبایی چیست؟ زیبایی هر چیزی است که آدم را به خود جذب می‌کند و انسان خواهان تکرار دیدن یا شنیدن آن است. زشتی در مقابل زیبایی. زشت هر چیزی است که از دیدن دوباره ی آن دوری می‌کنیم و کراهت داریم. اشکال این تعریف از هنر این است که تمام ماهیت و چیستی هنر را به واکنش مخاطب واگذار می‌کند. واکنش مخاطب موضوع مهمی است، اما تنها عامل ارزش گذاری یک اثر هنری نیست (انوشه، ۱۳۷۵). گروهی دیگر معتقدند که هنر هر آن چیزی است که وسیله ی پالایش، والایی و اعتلای روح آدمی بشود؛ یعنی هنر را صرفاً هنر اخلاق گرا می‌دانند و هنر خود را هنری می‌دانند که به اثر گذاری های مثبت اجتماعی، اخلاقی، آموزشی، تربیتی و... منجر شود. طرفداران این نظریه از شعار «هنر برای اجتماع» جانب داری می‌کنند. اشکال این تعریف نیز این است که اخلاقیات و مسایل اجتماعی در همه ی هنرها به یک اندازه کاربرد ندارد که بتوان از آن به عنوان یک معیار جامع برای سنجش آثار هنری استفاده کرد.

مثلاً در شعر یا رمان یا سینما، میزان اخلاق گرایی با هنری مثل خط یا معرق بسیار متفاوت است. تعریف دیگری از هنر وجود دارد که می‌گوید: هنر نسخه برداری از اصل طبیعت است و هر چه در طبیعت وجود دارد، می‌تواند در هنر هم مصداق داشته و ارزشمند باشد. مثلاً هوای و هوس، هوای نفس، میل به جنایت و خون ریزی و دیگر صفات زشت و ناپسند چون وجود دارند، می‌توانند آزادانه به تصویر کشیده شوند و عیناً مثل یک هنر مقدس قابل احترام و تحسین باشند، چون آیینی ی تمام نمای حقیقت و واقعیت ها هستند (رئیسیان زاده، ۱۳۹۲). تعریف چهارم می‌گوید: هنر بیان احساس و عاطفه ی آدمی و برداشت او از زندگی و جهان هستی است. اشکال کلیه ی این تعاریف این است که یک وجه یا صفت از هنر را در نظر می‌گیرند و از باقی مسایل چشم پوشی می‌کنند. هنر در واقع ترکیبی از تمام این معانی است و تعریفی عام را شامل می‌شود. پس از موضوع تعریف هنر، بحث دیگری که مطرح می‌شود، تاریخ فلسفه ی هنر است. این بحث از یونان باستان و افلاطون آغاز و با آرا و عقاید ارسطو ادامه می‌یابد. بسیاری از اصول امروزی هنرهای مختلف و قاعده و قانونمندی ها در این باره از کتاب بوطیقای ارسطو گرفته شده است. هنر این ویژگی را دارا خواهد بود که بیان غیر مستقیم همین حقایق است، تفاوت این دو زبان آن است که زبان نخست بر نقل حقایق به صورت واقعی خود استوار است، در حالی که زبان هنر بر عنصر تخیل استوار است (سلطانی و همکاران، ۱۳۷۹). تعریف اول و پنجم به جهت نخست یعنی منشأ ظهور هنر ناظر است، و تعریف چهارم و ششم جهت دوم یعنی شیوه و روش انعکاس آثار هنری را مورد توجه قرار داده است، و تعریف دوم، سوم و هفتم براساس جهت سوم یعنی تجلی و تبلور آثار هنری شکل گرفته است، از سوی دیگر برخی از این تعاریف نظیر تعریف چهارم هنر را انعکاس دهنده احساسات انسانی دانسته است، اما برخی از تعاریف نظیر تعریف هفتم اندیشه ها و تفکرات را نیز به احساسات افزوده است، به نظر می‌رسد که به منشأ ظهور و شیوه انعکاس آثار هنری، نمی‌توان هنر اطلاق کرد، آنچه مفهوم هنر را به دنبال می



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

آورد تبلور عینی و خارجی این خاستگاه و شیوه آن است. از سوی دیگر هنر افزون بر تجلی احساسات، تبلور اندیشه ها نیز هست (انوشه، ۱۳۷۵). با توجه به این نکات و با نگرستن به این تعاریف می توان تعریف ذیل را که از جامعیت بیشتری برخوردار است، برای هنر ارائه کرد: «هنر تجلی و تبلور زیباگونه و عینی احساسات و اندیشه های درونی آدمی است که با شیوه ها و ابزار متناسب انجام می پذیرد»

و جوه مشترک آثار هنری عبارتند از:

- تخیل به عنوان مهم ترین عامل در شکل گیری اثر هنری است
- همه آثار هنری از عاطفه و احساس هنرمند سرچشمه می گیرند نه از تفکر منطقی و عقلانی او
- چندمعنایی بودن و منشور ماندی، وجه اشتراک سوم تمام آثار هنری است (نوری و همکاران، ۱۳۸۵).

این جنبه از خصایص آثار هنری، در واقع از دو ویژگی قبلی که برشمردیم، نتیجه می شود. بدین معنی که هر پدیده ای که عنصر اصلی سازنده آن تخیل و عاطفه باشد، بی شک نمی تواند معنایی منجمد و تک بعدی داشته باشد. از این روست که هر کس در برابر آثار هنری می ایستد، دریافت و استنباط خاصی دارد. تغییری که هنر بر روح انسان می گذارد تغییری عمیق و ماندگار و طولانی تر است. در نتیجه هر گاه خواهان اثرگذاری ماندگار باشیم می توانیم از هر یک از رشته های هنری به فرا خور نیازمان استفاده کنیم. همانطور که در روانشناسی این مسئله به اثبات رسیده است، جهان از مجموعه ای از افراد تشکیل شده است پس اگر بخواهیم در سریعترین حالت بر تعداد زیادی از افراد تاثیرگذاری داشته باشیم می توانیم از اسباب هنر استفاده کنیم که هنر موسیقی و هنر نمایشی چون از طریق احساس شنوایی و احساس بینایی به سرعت درک می شوند می توانند مخصوصاً توام با یکدیگر به سرعت و در بعد جهانی تأثیری ژرف و عمیق و ماندگار و طولانی در جوامع به وجود می آورند (نوری، ۱۳۸۵).

ماهیت هنر

هنر، انتقال عواطف و احساسات هنرمند به انسان است. هنرمندان چیره دست، قادر بوده اند در آثارشان، عواطف و تجربیات خود را به صورتی آشکار کنند که باعث برانگیخته شدن احساسات مخاطب شود و با ایجاد عواطف مشترک با مخاطبان، ارتباط و پیوندی معنوی برقرار کنند. هنرمندان، با خلق آثار بدیع، آنچه را که افراد عادی از درک آن عاجز بوده اند، برای همگان، قابل فهم کرده اند. عکاسی، نقاشی، مجسمه سازی، آهنگ سازی، فیلم سازی، تئاتر، معماری، طراحی، طراحی کاریکاتور و... امروزه دیگر از بخش های ثابت و جذاب زندگی جوامع انسانی شمرده می شوند (اعوانی، ۱۳۷۵).

رسالت هنر

زمانی در دنیای غرب، بحث جنجال برانگیز آیا زیبایی، جزء ذات هنر است یا خیر؟ مطرح شد. عده ای معتقد بودند که اساساً هنر، تجربه زیباشناختی بشر از جهان است و برخی دیگر، براین باور بودند که هنر، تجربه ای از زیبایی ها و زشتی های جهان است. اما باید در نظر داشت اگر هنر، تنها وسیله ای برای کسب لذت و نشان دادن زیبایی باشد، بسیاری از آثار هنری ارزشمند (که به عنوان نمونه، فقر و تبعیض یا جنگ و مرگ و آوارگی را به تصویر می کشند)، از دایره هنر، خارج خواهند شد. گروهی دیگر از پیروان اخلاق، هنر را وسیله ای برای ارتقای کمالات بشر و کسب فضیلت و معنویت والای انسانی دانسته اند. به گفته لئو تولستوی: هنر، صرفاً تولید آثار دلپذیر نیست. مهم تر از همه، لذت نیست؛ بلکه وسیله ارتباط انسان هاست برای دوام حیات بشر و برای سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی. پس ضروری و لازم است؛ زیرا افراد بشر را با برانگیختن احساساتی یکسان، به یکدیگر پیوند می دهد (سلطانی و همکاران، ۱۳۷۹).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

هنرمند، با ذهن پویای خویش، آثاری تازه می‌آفریند تا دریچه‌ای از دنیایی متفاوت را در مقابل چشم بینندگان بگشاید. هر جامعه‌ای می‌تواند از طریق بهره‌گیری از هنر خوب و سالم، با وجود تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، با همه مردم دنیا و در همه زمان‌ها، ارتباط و پیوند برقرار کند و با زبان هنر (که زبان مشترک و قابل فهم همگان است)، به زندگی در جهان هستی (که جلوه‌ای از ذات حق است)، معنا و مفهومی عمیق ببخشد. تولستوی، هنر و ادبیات را از عالی‌ترین تجلیات جمال الهی و به وجود آورنده عالی‌ترین لذت‌های روحی و معنوی برای انسان، تعریف می‌کند (یوسفی، ۱۳۷۰). نظامی (شاعر نامدار ایرانی)، شاعران را پیشرو و راهنمای عالم بشریت دانسته و مرتبه والایی به آنان نسبت داده و مقام آنان را پس از پیامبران خدا می‌داند و می‌گوید: پیش و پسی یافت صف کبریا پس، شعرا باشد و پیش، انبیا. کانت، شاعری را والاترین هنرها می‌پندارد و می‌گوید: شعر، غذای روح و فکر آدمی و آموزنده است» (مرزبان، ۱۳۹۰). در پایان، می‌توان چنین گفت که هنر و ادبیات، در تمامی اهداف و رسالت‌ها، دارای ویژگی‌های مشترک و یکسانی هستند و هیچ حدّ و مرزی، آنها را از هم جدا نمی‌کند و شاید بتوان گفت که در اصل، ادبیات، بخشی از هنر است؛ اما آن بخشی است که به خاطر گستردگی زیاد، تا حدّی استقلال یافته و در نهادهای رسمی آموزش (مدارس، دانشگاه‌ها و...)، جدا بررسی می‌شود، در حالی که از نظر ماهیت، (چنان که ارسطو تصریح کرده است) در شمار هنرهاست. ادبیات، هنر کلامی است، در برابر هنرهای دستی، تصویری - تجسمی، صوتی و...

پیشینه هنر

باستان شناسان معتقدند نشانه‌هایی از هنر در دوره پیش از تاریخ که پارینه سنگی نام گرفته، یافت شده است. در دوران نوسنگی، حدود هشت هزار سال پیش از میلاد نیز هنر به رشد خود ادامه داده است. همچنین در عصر مس و سنگ، پیکره‌ها، ظروف شیشه‌گری، نمادهایی از رواج هنر در میان انسان‌های باستان است. در مصر باستان نیز همچون پیکر تراش، نقاشی‌های دیواری، اشیای تزئینی کوچک و مانند آن را رایج بود. در ایران دوره هخامنشیان، هنرها به اندازه‌ای با ارزش بود که ساخته‌های دست پیشه‌وران و هنرورزان ایرانی، چون تحفه‌هایی گران بها به دورترین نقاط جهان صادر می‌شد (نجفی و رحیمی، ۱۳۷۰).

تعامل دین و هنر؛ آری یا نه؟

رابطه هنر و دین، از موضوع‌های مهمی است که در آثار برخی دانشمندان مسلمان و نامسلمان به آن توجه شده است. در این مورد، برخی معتقدند دین و هنر، دو مقوله جدا از هم هستند و هنر نباید در هیچ محدودیتی، حتی محدودیت دینی قرار گیرد؛ ولی عده‌ای دیگر معتقدند هنر باید در محدوده‌ی دین حرکت کند و در خدمت دین باشد. هنر و دین رابطه‌ی متقابلی با یکدیگر دارند و هنر نباید از ارزش‌های اخلاقی و دینی دور بماند (افشار، ۱۳۸۵).

هنر اسلامی

هنر اسلامی توجه بسیاری از دانشمندان غربی را که سابقه خوبی در جهت مطالعه و تبلیغ هنر اسلامی داشته‌اند، جلب کرده است. با وجود این جنبه مثبت، زمانی که به طور مکرر هنر اسلامی را با الگو و معیارهای هنر غربی مورد ارزیابی قرار دادند مطالعه و تبلیغ هنر اسلامی توسط دانشمندان غربی، عامل تضعیف هنر اسلامی شد. دانشمندان غربی، در کنار مطالعه و تبلیغشان در ارتباط با هنرهای جامعه اسلامی، معتقدند که دین اسلام خلاقیت‌های هنری را محدود و کوچک شمرده است. از



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

نظر دانشمندان غربی، دین اسلام بازدارنده و محدود کننده استعداد های هنری است و عجز و ناتوانی این هنر را می توان از آثار هنری در قالب مناظر برجسته طبیعی و تصاویر و اشکال هندسی و تزئینی قضاوت کرد (پاکباز، ۱۳۸۵).

اینچنین مباحثی موضوع عدم درک و فهم جدی اسلام و نگرش آن نسبت به هنر را نشان می دهد. اغلب استادان دانشکده های شرق شناسی اتهاماتی را به اسلام روا می دارند مبنی بر اینکه اسلام زندگی ساده لوحانه و سختگیرانه را تقویت می کند و مانع پیشرفت و رفاه و آسایش است. این ادعاهای نادرست از طریق قرآن و احادیث پیامبر رد شده است. به عنوان مثال قرآن زندگی آرامی را به مومنین وعده می دهد: "بگو ای پیامبر، چه کسی زینت های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟" (سوره اعراف - آیه ۳۲) این پیام درآیه دیگری از قرآن نیز تأکید شده است: "ای کسانی که ایمان آورده اید، حرام مکنید طعام های پاکیزه ای را که خدا برای شما حلال نموده و ستم و تعدی به یکدیگر مکنید که خدا ستمکاران را دوست نمی دارد." (سوره مائده - آیه ۸۷) البخاری^۱ روایت موثقی از حضرت محمد (ص) نقل می کند که: "خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد." شاید این روایت قابل درک ترین پیام از دیدگاه اسلام نسبت به هنر باشد. زیبایی، در اسلام، جلوه ای از صفات الهی می باشد. غزالی^۲ (۱۰۵۸-۱۱۲۸) دانشمند بزرگ اسلام، زیبایی را بر اساس دو معیار اصلی که در برگیرنده تناسب عالی و هارمونی مناسب است، تعریف می کند که عبارتند از قسمت های درونی و بیرونی اشیاء، حیوانات و انسانها. از دیگر عوامل تعیین کننده در ارتباط با تاثیر دانشمندان غربی بر هنر اسلامی، شباهت به هنر یونانی است که انسان را مبنای ابداعات هنری خود قرار می دهد. بنابراین، تصاویر و مجسمه های انسانی و مجسمه سازان انسان به عنوان شاهکارهای هنری تلقی می شوند. طبق این نظریه، انسان باشکوه ترین و زیباترین موجود طبیعی است که باید آغاز و پایان تمام تلاش های هنرمندان باشد. آثار هنری موفق آثاری هستند که اعماق درون و ظاهر فیزیکی انسان را به تصویر می کشند. شاید عالیترین جایگاه برای انسان، در هنر اسلامی، زمانی است که انسان مظهر ذات الهی است، یا زمانی که نشانگر تصویر الهی است. هنر اسلامی، در هر صورت، دارای بینش کاملاً متفاوتی است. در هنر اسلامی، انسان به عنوان یک موجود الهی تلقی می شود که آفریده ی یک قدرت مطلق، به نام الله است (کیانی، ۱۳۷۴). یکی از شاخه های مهم علوم انسانی، هنر می باشد چرا که هنر در زندگی انسانها بسیار تأثیرگذار بوده و می باشد. در حقیقت این هنر است که جامعه های انسانی را گاه به شکل آشکار و بیشتر مواقع به شکل پنهانی کنترل می کند و به آن شکل می دهد.

هنر بر زندگی ها از تمدن های اولیه تا به امروز تأثیر بسیار زیادی داشته است، به طوری که در بسیاری از مواقع هنر در خدمت مذهب به کار گرفته شده تا مفاهیم مذهبی را بهتر انتقال دهند. گاهی با تغییر مذهب در تمدن های انسانی، هنر آنان نیز تغییر یافته است، همانند هنر اسلامی. تاریخ این مسئله را اثبات کرده است که هنر و مذهب بسیار به هم وابسته اند و در کنار یکدیگر باعث زنده ماندن و تداوم یکدیگر شده اند؛ به عبارتی هنر و مذهب در طول یکدیگر قرار دارند، نه در عرض هم. هنر اسلامی همان گونه که از نام آن بر می آید، بعد از ظهور اسلام (در سده هفتم میلادی) در دوره های تاریخی مختلف و در مناطق جغرافیایی مختلف ظهور و نشو و نمود کرد. این هنر از نظر بُعد زمانی و مکانی و از نظر تنوع آثار چنان گسترده است که در هیچ تعریف خاصی نمی گنجد و تنها می توان ویژگی های خاصی را برای آن شمرد. هنر اسلامی در واقع محصول تمدنی است که طی چندین قرن در قلمرو وسیع اسلام - از هند تا اسپانیا - شکوفا بود و سنت های هنری پایداری نیز به بار آورد. (پاکباز، ۱، ۱۳۸۵: ۷۲۵)

¹ Al-Boukhari

² Al-Ghazali



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مروری بر پیشینه پژوهش هنر اسلامی نشان می‌دهد پژوهشگران زیادی تاکنون تلاش کرده‌اند مفهوم هنر اسلامی را تبیین نموده و یا در زمینه تعریف‌های ارائه شده در زمینه هنر اسلامی پژوهش نمایند، چرا که با شناخت هنر اسلامی بهتر می‌توان تأثیرهای آن را بر تمدن‌های انسانی شناخت. به عنوان نمونه می‌توان به مهدوی‌نژاد (۱۳۸۱) و نقی‌زاده (۱۳۸۲) اشاره کرد که در این مقاله از مطالعات ایشان استفاده شده است. ایران از جمله کشورهایی است که اسلام در آن به زودی گسترش یافت و با سابقه فرهنگی و هنری که از خود داشت، به زودی هنرمندان آن آثاری خلق و ابداع کردند که با روحیه اسلامی سازگاری داشت، بنابراین، امروزه می‌توان به خوبی ادعا کرد که هنر اسلامی بخشی از هویت ماست و در ساخت تمدن ایران بسیار تأثیرگذار بوده است، بنابراین، توجه به این بخش که یکی از تأثیرگذارترین عوامل در جامعه می‌باشد و یافتن چستی هنر اسلامی ضروری می‌نماید. هنر اسلامی واژه‌ای است که ابتدا مستشرقین این واژه را به کار برده‌اند و در این زمینه به کار تحقیق و تفحص دست زده‌اند. هنر اسلامی برای محققان غربی از سده نوزدهم میلادی و برای دانشمندان مسلمان تعلیم یافته در غرب طی چند دهه اخیر، موضوع تحقیق بوده است، (نصر، ۱۳۷۵: ۷) یعنی این نام به وسیله سازندگان آن بازشناسی نشده است، بلکه واژه «هنر اسلامی» اولین بار در محیط‌های دانشگاهی انگلستان جامه تعریف پوشید و سپس به وسیله محققان فرانسوی - که اولین کاوشگران آکادمیک آثار اسلامی می‌باشند- و بعد در اثر دیگر کاوشگران غربی، در نهایت به تعریف هنر و معماری اسلامی نیز تعمیم یافت (آزند، ۱۳۷۸: ۱۰).

بنابراین، بازشناسی هنر اسلامی و یافتن جواب چستی هنر اسلامی ضروری می‌نماید. شناخت ابعاد و ویژگی‌های شناختی هنر اسلامی، گامی اساسی در جهت حرکت به سوی بهره‌گیری از این چشمه جاری در روزگار معاصر خواهد بود.

تعریف هنر اسلامی

هنر اسلامی توسط تحققان مختلف به شکل‌های گوناگون تعریف شده است، که هر یک ویژگی‌های مختلف و جنبه‌های گوناگونی را برای این هنر معرفی کرده‌اند که هر یک بیانگر خصیصه‌ای از خصوصیات آن به شمار می‌آید. اغلب تعریف‌ها نگاهی تقلیل‌گرایانه دارند، از این رو موجب حذف برخی ویژگی‌ها شده، به برخی دیگر محوریت می‌بخشد. این روند موجب جدایی تأویل از متن اصلی می‌گردد (آستون^۱، ۱۹۹۱: ۱۸). مطالعات انجام شده در این پژوهش، متوجه هشت رویکرد اصلی هنرپژوهان به هنر اسلامی شده که در تعاریف ارائه شده توسط آنان، تعاریف جامع و مانع نیستند و هر یک برای هنر اسلامی ویژگی و خصیصه‌هایی را بیشتر مورد توجه داده‌اند که باعث شده، هنوز انسجام امید بخشی در ارائه تعریفی جامع و مانع از آن به دست نیامده باشد. لازم است ذکر شود این مقاله هیچ یک از نظریه‌ها را رد نمی‌کند، بلکه درعین حال که تمامی تعریف‌ها را می‌پذیرد، با تحلیل این دیدگاه‌ها معتقد است تعریف‌های ارائه شده برای هنر اسلامی هیچ کدام بیان‌کننده حقیقت این هنر و تأثیری که در جامعه‌ها داشته، نمی‌باشد. هشت رویکرد اساسی عبارتند از:

۱. هنر سرزمین‌های اسلامی

این دیدگاه، هنر اسلامی را هنر سرزمین‌های اسلامی می‌داند. باربارا برنند در تعریف هنر اسلامی می‌گوید: هنری که در خدمت برای حکمرانان زمان یا جامعه فرهنگ دوست و اسلامی باشد، البته آثار هنری مورد بحث همواره هدف مذهبی ویژه‌ای نداشته و گاهی از این مقوله به دور بوده و حامیان و هنرمندان همیشه مسلمانان خوبی نبوده‌اند و گاه اصلاً مسلمان نبوده‌اند. به هر حال

^۱ Aston



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

فرهنگی که در آن شکل می‌گیرد، تابع اندیشه مسلمانان است و این عمل به همراه عوامل جغرافیایی و تاریخی، تعیین‌کننده آنچه تهیه و پرداخته می‌شده بوده است (برند، ۱۳۸۳: ۱۰).

برند به صراحت اعلام می‌کند که آثاری که در سرزمین‌های اسلامی خلق می‌شوند، در تعریف هنر اسلامی جای می‌گیرند و تأکید می‌کند که این نوع هنر را باید اسلامی و نه هنر مسلمانان خطاب کرد و تفاوت‌های جزئی موجود بین آثار را مربوط به عوامل جغرافیایی و تاریخی می‌داند. همچنین کریستین پرایس همانند برند، معتقد است که در این روش ممکن است حتی هنرمند نیز مسلمان نباشد، هنر این صنعتگران که بسیاری از آن‌ها هرگز به اسلام نگرویدند، با هم پیوند خورد و زیر فرمان اسلام مبدل به شیوه‌هایی شد که امروزه به نام هنر اسلامی شناخته می‌شود. (پرایس، ۱۳۶۴: ۹) این گروه معتقدند که اسلام به بهترین شکل در آثار هنری تأثیر گذاشت که اسلام در آن سرزمین‌ها حاکم شده است. در این نگرش، اسلام اساساً دارای هنر و یا رویکردی هنری نیست، بلکه آنچه در سرزمین‌های اسلامی تا پایان قرن بیستم به وقوع پیوسته، هنر اسلامی شمرده می‌شود (ورنویت^۱، ۱۹۹۹). حتی اگر سفارش‌دهندگان این آثار خود مسلمان نباشند و یا کالای تولیدی در خدمت آرمان اسلامی نباشد (کوچ^۲، ۱۹۹۱: ۱۰). الگ گرابر هنر اسلامی را مربوط به اسلام نمی‌شناسد و می‌گوید که هیچ رابطه‌ای میان هنر اسلامی و اعتقادات اسلامی وجود ندارد (گرابر^۳، ۱۹۹۳: ۱) همچنین وی به همراه ریچارد اتینگهاوزن هنر اسلامی را مربوط به خلافت می‌داند: وقتی به هنر تعبیر «اسلامی» اطلاق می‌شود، به اقوامی اشاره می‌کند که زیر نظر حکام مسلمان می‌زیسته‌اند و یا در فرهنگ‌ها و جوامعی زندگی می‌کرده‌اند که به شدت متأثر از ویژگی‌های خاص حیات و اندیشه اسلامی بوده‌اند. (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۶: ۱) برخی همانند گاستون دایه هنر اسلامی را هنری می‌داند التقاطی و غیر اصولی که از ترکیب تکنیک‌ها و تم‌های کشورهای تسخیرشده که تابع قانون اسلام بودند به وجود آمده است و می‌گوید: «لذا هنر اسلام باید مجموعه هنرهایی را شامل شود که در کشورهایی تولید شده‌اند که تابع قانون اسلام بوده‌اند و امرای مسلمان بر آن‌ها حاکم می‌رانند.» (وایه، ۱۳۶۳: ۱۸).

۲. هنر مسلمانان

در این نگرش هنرمند و به وجود آورنده اثر مورد اهمیت واقع می‌شود. این نگرش هنر اسلامی را هنر، هنرمندان مسلمان معرفی می‌کند (دیکتونی و آرت^۴، ۲۰۱۵: ۹۴).

در این نگاه هنر اسلامی وجودی ماهوی ندارد، بلکه نامی است که به وسیله آن، آثار هنرمندان مسلمان بازشناسی می‌گردد. این روش توجیه مناسبی برای تنوع آثار هنر اسلامی ارائه می‌کند که آن گونه‌گونی مسلمانان در مناطق مختلف است (هوگ^۵، ۱۹۹۹: ۷). پیشرفت تکنیک‌های هنری با پیشرفت مسلمانان هماهنگ بوده و این برهانی دیگر بر استواری این اندیشه تلقی شده است (آتاسوی^۶، ۲۰۱۱: ۷). پذیرش این امر که هنر اسلامی هنر هنرمندان مسلمان است، باعث حضور باز گسترده‌ای از آثار هنری در این زمره شده است.

¹ Vernoit

² Koch

³ Graber

⁴ Dictionary of Art

⁵ Hoag

⁶ Atasoy



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

از بزرگان این گروه می‌توان به دیمر و توماس آرنولد اشاره کرد. آرنولد معتقد است هنر اسلامی والاترین جایگاه را در میان دستاوردهای فعالیت‌های هنر بشر به دست آورده است و بالاترین جایگاه در میان هنرهای موجود بین مسلمانان، هنر خوشنویسی است که این هنر بین آن‌ها رشد و ترویج پیدا کرد و این هنر را هنرمندان خارجی نمی‌توانند انجام دهند، بلکه حتماً باید توسط مسلمانان انجام شود. در این دیدگاه اعتقاد بر این است که هنر اسلامی به بهترین شکل به دست مسلمانان به شکوفایی می‌رسد.

۳. هنر برگرفته از نصوص دینی

در این دیدگاه، هنر اسلامی هنری است که مستقیماً از دستورات قرآن کریم و یا روایات اسلامی به دست آمده باشد و برخلاف دیدگاه قبلی، بیشتر وجودی ماهوی و ریشه در عالم روحانی و معنویت دارد و با همپیوستگی سیر تکاملی این هنر راه خارج از اختلافات مکانی و زمانی، اشتراک مذهب دانسته‌اند. اشتراک در معتقدات دینی در اینجا تأثیری قوی‌تر از آنچه در دنیای مسیحیت وجود دارد، بر فعالیت‌های فرهنگی ملل مختلف داشته است. (کونل، ۱۳۶۸: ۶) چیزی که بیش از همه در این فعل و انفعال جهت ایجاد وحدت و پاسخ به جمیع مسائل زندگی قاطعیت داشت قرآن بود؛ مبنای اصلی این تفکر به کامل بودن قرآن است و می‌گویند: انسان تمام نیازهای خود را می‌تواند در قرآن بیابد؛ (۴) چنان‌که کارل جی دوری می‌گوید: هنر اسلامی در زمینه‌های گوناگون دارای پایگاهی والا و چشم‌گیر بوده و منشأ فعالیت مسلمانان در جهان است و مایه ربط هنرمند با هنرش اصولاً توحید می‌باشد و هنرمند مسلمان تنها از یک منبع گراندقدر الهام می‌گیرد و آن قرآن است (دوری، ۱۳۶۸: ۳). در ادامه قرآن را به عنوان تنها منبع قابل اعتماد برای هنرمند مسلمان و محور اصلی در بازخوانی هنر اسلامی معرفی می‌کند.

بورکهارت (۱۳۷۲: ۷۷) می‌گوید: هنر بصری اسلام فقط انعکاس بصری کلام قرآنی است و جز این نیست. حسین نصر محقق بزرگ دیگر در این زمینه معتقد است برای یافتن سرمنشأ اصول وحدت‌بخش هنر اسلامی که این‌چنین در گستره وسیع زمان و مکان گسترده شده است، باید به باطن دین اسلام رجوع کرد (نصر، ۱۳۷۵: ۱۲). در برخی از دایرةالمعارف‌ها با چنین تعریف‌هایی مواجه می‌شویم: مبانی و دستورات دینی هرگز از طرف یک مسلمان مورد سؤال قرار نمی‌گیرد، از این‌رو امکان چالش میان هنرمند و آموزه‌های دینی وجود ندارد و آنچه در نهایت تعیین‌کننده شاخصه‌های پذیرفته شده و عمومی‌اند، سنت و قرآن است. از این رو است که در برخی از دایرةالمعارف‌ها متن قرآن، یگانه مرجع هنر اسلامی معرفی شده است. در این حالت قرآن تنها یک کتاب دینی مشتمل بر نشانگان مذهبی نیست، بلکه منبعی است برای تمام زندگی که هر عنصر اسلامی باید موبه‌مو برگرفته از دستورات آن باشد. در این تعریف، هنر اسلامی همان هنر قرآنی است و... که هنرمندان براساس تعالیم آن دست به هنرآفرینی می‌زنند.

۴. هنر عربی

در این دیدگاه هنر اسلامی از پشتوانه اندیشه‌های عربی قبل از اسلام ملهم می‌باشد؛ یا هنری که به واسطه زبان عربی، به عنوان واسطه تماس با قرآن مجید باشد، هنر اسلامی خوانده می‌شود؛ همچنین هنری که به واسطه اعراب گسترش یافت و در مکان‌های مختلف تأثیر گذاشت. گاستون وایه می‌نویسد: از آغاز قرن هفتم میلادی خطر جدیدی در اروپا به وجود آمد؛ خطر عرب‌ها؛ آن‌ها با تسخیر متصرفات شرقی امپراتوری بیزانس در سال‌های ۶۳۳ تا ۶۹۸ ضربه مرگ‌باری به آن وارد کردند، عرب‌ها به اروپا از طریق اسپانیا حمله بردند اما سرانجام در سال ۷۳۲ توسط شارل مارتل متوقف شدند. تنها قسمتی از اروپا که از



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

سنت‌های عرب در آن نفوذ کرد، اسپانیا بود و می‌توان به هنر مودجار (هنری که توسط عرب‌های مسیحی شده اسپانیا بعد از فتح مجدد اسپانیا تکامل یافت) که بعد از فتح مجدد اسپانیا باقی ماند، اشاره کرد. (واپه، ۱۳۶۳: ۹-۸)

علاوه بر آن کتیبه‌های سر در مساجد و اماکن مذهبی در کشورهای اسلامی که اکثر آنها به خط ثلث و یا نسخ عربی می‌باشد، تأکیدی بر این دیدگاه است. تالبوت رایس، هنر اسلامی را برساخته از نگره‌های عربی، ابرنکاره‌های اسلامی در سال‌های ابتدایی پیدایش اسلام می‌خواند، از این رو برای آن پیشینه‌ای عربی قائل می‌شود (ریس^۱، ۲۰۱۲: ۷).

حضور زبان عربی به عنوان ابزار رسانه‌ای وحی، باعث گردیده است عده‌ای از متفکران اسلامی از آن با عنوان زبان مقدس و یا عنصر اصلی هنر اسلامی یاد کنند (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۵۱) در این نگرش، پژوهشگران برای این هنر پیشینه‌ای عربی معرفی می‌کنند و بسیاری از اصول و مبانی هنر اسلامی را به نگره‌های عربی و اغلب به قبل از اسلام و سنن شبه جزیره عربستان ارجاع می‌دهند.

۵. هنر هندسی و انتزاعی

اغلب پژوهشگرانی که هنر اسلامی را در نقش مایه‌های آن جستجو کرده‌اند، در این نگرش جای می‌گیرند. این دیدگاه هنری را اسلامی می‌داند که از یک سری تکنیک‌های خاص و یا عناصر تزئینی شده مشخص مانند شمسه، چلیپا و غیره استفاده نماید. (مه‌دوی نژاد، ۱۳۸۱: ۲۸) در این نگاه، هنر اسلامی، گاهی تا مرز یک سری نگاره و نقش مایه تقلیل می‌یابد (پیندر^۲، ۲۰۱۸: ۲). در واقع به دلیل استنباطی که از آیات قرآن برای ممنوعیت کشیدن تصاویر قائل بودند، باعث شد که هنرمندان از کپی کردن طبیعت روی بگردانند و به طرح هندسی متمایل شوند. اسلام از توحید یعنی پذیرش وحدت الهی و احدیت سرچشمه می‌گیرد، احدیت در حالی که به غایت عینی و انضمامی است، به نظر اسلام تصویری انتزاعی می‌نماید و این امر به علاوه بعضی از عوامل مربوط به ذهنیت سامی، مبین خصلت انتزاعی هنر اسلامی است (بورکهارت، ۱۳۷۶: ۱۳۱) و هیچ تمثیل و رمزی در جهان مشهودات برای بیان پیچیدگی درونی وحدت و انتقال از وحدت تقسیم و تکثیر ناپذیر به وحدت در کثرت و کثرت در وحدت بهتر از سلسله طرح‌های هندسی در یک دایره یا کثیرالسطوح‌ها در یک گروه نیست (بورکهارت، ۱۳۷۲: ۵۷) بنابراین، در این دیدگاه هنرمند مسلمان، هنر انتزاعی را بیانگر قانونی می‌داند که به مستقیم‌ترین وجه، وحدت در کثرت را نمودار می‌سازد. در این زمینه گاهی تکنیک و روش‌های کارآیند، یک معنا را مهم‌تر از خود معنا معرفی می‌کند.

۶. هنر مقدس

در این نگاه، هنر اسلامی هنری است که برگرفته از استعارات و مفاهیم مقدس اسلام است. موضوع حائز اهمیت در این نگرش نحوه برخوردت و عملکرد ویژه آن با رمزگرایی و یا نمادگرایی یا چگونگی انتقال مفاهیم است. (برند، ۱۳۸۳: ۲۲۷) شالوده این نگره، بر مقدس دانستن برخی اعداد یا فرم‌هاست: دریافت تقدس کعبه (۵) از شکل مکعبی آن (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۷). تقدس حجرالأسود به سبب فرود از آسمان و یا تبرک جامه‌ی مخملین کعبه به سبب آداب مقدس جامه‌پوشانی، (همان: ۱۸) تزئین گیاهی پیام‌آور بهشت (برند، ۱۳۸۳: ۲۲۸) و یا قرارگیری گنبد بر روی ساختار مکعب شکل، نماد هیبت و عظمت آسمان‌ها بر بالای زمین (همان: ۹) از مثال‌های روشن این رویه هستند. رویکردهای این نحله از یک سو منجر به شکلگیری اعداد مقدس به عنوان پایه طراحی و از سوی دیگر منجر به روایتگری نشانه‌گرا در فرآیند طراحی شده است.

¹ Talbot Rice

² Pinder



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مقدس شناختن قبةالصخره (۶) به سبب اعداد مقدس (بورکه‌هارت، ۱۳۶۵: ۲۶) و یا اسلامی دانستن تزئینات محراب و اجازه بهره‌گیری از نگارگری در دیوار محراب به سبب خصوصیات نشانه‌ای آن، (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۵۴) و تقدس چراغ محراب به سبب تجلی باری تعالی (همان) مثال‌های روشنی از این نوع نگرش به هنر اسلامی‌اند. پس به نظر می‌رسد که بسیاری از خصیصه‌های هنر اسلامی به ماورای جهان ظواهر - به سوی جهان آخرت - اشاره دارند، اما این نمادها غالباً دلالت ضمنی داشته و کلیت آن بیشتر از معنای نمادین آن‌هاست. (برند، ۱۳۸۳: ۲۲۸). حسین نصر در این زمینه می‌گوید: هنر اسلامی همواره در پی آن بوده است تا فضایی بیافریند که در آن بر سرشت موقت و گذرای اشیای مادی تأکید شود و تهی بودن اشیا مورد توجه قرار گیرد. پروردگار و تجلیات او با هیچ مکان و زمان یا شیء خاصی یکسان پنداشته نمی‌شود، لذا حضور او فراگیر است، همان‌طور که در قرآن می‌فرماید: پس به هر طرف رو کنید، به سوی خدا روی آورده‌اید، (بقره: ۱۵) بنابراین، تهی بودن در هنر، مترادف تجلی امر مقدس می‌شود. (نصر، ۱۳۷۵: ۱۸۱-۱۸۰)

۷. هنر با محتوای دینی

این دیدگاه هنر اسلامی را هنری می‌داند که انتقال‌دهنده مضامین الهی و اسلامی است. لذا این هنر باید در خدمت تعالیم اسلامی و ارشاد مردم قرار گیرد، تا بتوان آن را اسلامی نامید؛ به عبارت دیگر، هنر دینی چه از سبک تجرید و بیان رمز و تمثیل بهره‌مند باشد و چه رمز و نماد و تمثیل را از طریق اشکال و تصاویر فیگوراتیو (ساخت‌وار) به نمایش گذارد و چه از طریق بازنمود طبیعت و واقعیت محض، آن را بیان کند، در هر حال، تجربه زیباشناختی از امر قدسی است و این امر آن جوهر اصلی هرگونه تعریف هنر دینی است. (رهنورد، ۱۳۷۸: ۱۶) با چنین تعریفی، هنر اسلامی هنری است حاکی از تجلی عوالم برتر در ساخت‌های نفسانی و دینی. (نصر، ۱۳۷۵: ۳). در این نگرش، هنر با تقدس خویش دنیای مادی را سرشار از پیام‌های ایزدی می‌نماید (الیاد^۱، ۲۰۱۵: ۱۲).

بهترین راه برای تحقق چنین امری آن است که هنر در برگیرنده مضامین بلند قرآنی شود. از سوره الرحمن آیه ۴۱: «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ»، چنین استنباط می‌کنند که شمایل‌نگاری مجاز است، به شرط آنکه در برگیرنده محتوای دینی متناسب با آن باشد. (رهنورد، ۱۳۷۸: ۷۸) بورکه‌هارت می‌نویسد: «نهی تصاویر در اسلام به طور کامل و فقط مربوط به نگاشتن تصاویر الوهیت می‌شود ... نهی چهره پیامبران و رسل به سبب احترام و غیرقابل تقلید بودن ایشان است.» (بورکه‌هارت، ۱۳۶۵: ۴۰) این دیدگاه بر این اساس است که زمانی اثری هنر اسلامی تلقی می‌شود که بیان‌کننده مفاهیم قرآنی و پیامبران باشد.

۸. هنر اسلامی شامل همه موارد فوق

این دیدگاه هنر اسلام را شامل تمامی این نظریه‌ها و یا گزیده‌ای از عناوین فوق می‌کند (رهنورد، ۱۳۷۸: ۶۱-۵۰) و گاهی با حرکتی محافظه‌کارانه‌تر، تمام این عناوین را در قالب بستاره‌های هنر اسلامی، بازتعریف می‌نماید. در طرف مقابل گروه دیگر وجود دارند که درصد گردآوری اشتراکات گروه‌های پیش‌فرض و تعریف سامان‌های جدید برای هنر اسلامی‌اند. در این رویکرد یک اثر اسلامی، تعریف‌یافته از صفاتی متمایز و گوناگون، تحت عنوان ویژگی‌های هنر اسلامی معرفی می‌گردد. این گروه برای زیبایی‌شنای هنر اسلامی ویژگی‌هایی از جمله شماری از دوگانگی‌ها، (از جمله معقول و احساساتی، نور و سایه، سادگی و پیچیدگی ...) و ویژگی تفهیم عمیق نظم، رمزگرایی و نمادگرایی را برای آن بر می‌شمارد. (برند، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

^۱ Eliade



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

-تحلیل و بحث

۱. نقد نظریه‌های موجود

پس از توضیح و معرفی هشت دیدگاه، در این بخش، یک‌یک نظریه‌های مطرح شده، از نظر جامع بودن و مانع بودن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند:

دیدگاه هنر سرزمین‌های اسلامی

درست است که اکثر هنرهای اسلامی در سرزمین‌های اسلامی و سرزمین‌هایی که حاکمان آن‌ها افرادی مسلمان بوده‌اند و یا مسلمانان در آن سرزمین‌ها زندگی می‌کرده‌اند به وجود آمده است، اما تمامی آثار هنری که در این سرزمین‌ها به وجود آمده، جزو آثار هنر اسلامی نیستند، برای اثبات اینکه هر ساخته هنری در سرزمین‌های اسلامی جزو هنرهای اسلامی نیست، کافی است مکتوبات طرفداران این نظریه مورد بررسی قرار گیرد.

در اغلب این تألیفات، شمار خاصی از آثار برگزیده شده‌اند؛ به عنوان نمونه همگی آنان به مساجد اسلامی اشاره کرده‌اند. این نکته گواه بر این است که تنها برخی از آثار دوره‌ی اسلامی را می‌توان جزو هنر اسلامی دسته‌بندی ساخت. حذف پیوستار، معنایی-زمانی و تقلیل آن به دوره‌های تاریخی، مسئله‌ی دیگری است که در این روش، بدون پاسخ مانده است. به عبارت دیگر، هنرهای متأثر از اسلام را می‌توان در سرزمین‌های غیراسلامی مشاهده کرد و همچنین هنرهای غیراسلامی را می‌توان در سرزمین‌های اسلامی نظاره‌گر بود. بنابراین، این دیدگاه نه جامع و نه مانع است.

دیدگاه هنر مسلمانان

نظریه اینکه هنر اسلامی هنر هنرمندان مسلمان است، تاکنون به وسیله عده زیادی از پژوهشگران اسلامی به شیوه‌های متفاوتی مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است. این تعریف از هنر اسلامی نه جامع است و نه مانع. به عبارت دیگر، بسیاری از فعالیت‌های هنری مسلمانان را نمی‌توان جزو هنر اسلامی طبقه‌بندی کرد. همان‌گونه که ممکن است اثری هنری اما غیر اسلامی از مسلمانان دیده شود، همچنین آثاری وجود دارد که به وسیله غیرمسلمانان به وجود آمده است؛ از این رو بازشناسی هنر اسلامی به عنوان هنر هنرمندان مسلمان کلی‌نگر و غیر دقیق است. بنابراین، این دیدگاه با وجود اینکه تعریفی جامع ارائه می‌دهد، اما مانع نیست.

دیدگاه هنر برگرفته از نصوص دینی

عده‌ای در این زمینه به تندروی‌هایی نیز دچار شده‌اند، تا آنجا که خود مجبور شده‌اند این نگرش افراطی را نامناسب معرفی نمایند. این نگرش در سه مرحله با مشکل روبه‌رو می‌شود: ۱. نخست آنکه در بسیاری از موارد، دستورات قرآن مجید ثبت نشده است. به عنوان نمونه در تورات دستور ساخت کشتی (۷)، نحوه کف‌سازی هیکل و غیره آمده است؛ ولی در قرآن دستورات مشابهی از آن دیده نمی‌شود. در این حالت لازم می‌آید تورات کامل‌تر از قرآن تلقی گردد، در صورتی که قرآن جامع‌تر از تورات است و پرداختن به جزئیات نشانه جامعیت نیست. به همین دلیل انتظار نمی‌رود هر آنچه از هنر اسلامی انتظار داریم، در متن قرآن به صراحت تصریح شده باشد

۲. وقوع دگرگونی‌های تکنولوژیک امکان اجرای دستوری ثابت در طول زمان را منتفی می‌سازد، در حالی که اسلام دینی است برای تمام دوران و لازم است دستورات آن در همه زمان‌ها ارزشمند باقی بماند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۳. تنوع نژادی، اقلیمی و منطقه‌ای مسلمانان، پرسش بی‌پاسخ دیگری در این زمینه است. اگر قرار باشد قرآن دستورات ثابتی بدهد، دیگر در همه‌جا قابل اجراء نبوده و جهان شمول بودن تعالیم الهی اسلام، زیر سؤال خواهد رفت. (مهدوی نژاد، ۱۳۸۱: ۲۵) بنابراین، این دیدگاه درست است و مانع است، اما جامع نیست.

دیدگاه هنر عربی

پژوهشگران این گروه برای هنر اسلامی پشتوانه‌ای عربی معرفی می‌کنند. وضعیت هنری شبه جزیره عربستان پیش از اسلام کاملاً مشخص است و تصور اینکه آداب و سنن آن مایه شکوفایی و بالندگی هنر اسلامی شود، به کلی مردود است. دستور عادت ضد شمایل‌نگاری و پیکره‌سازی در عرب دوره جاهلی نیز بر اساس شواهد موجود غیرممکن می‌نماید (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۹) و آنچه در سراسر سرزمین‌های اسلامی پراکنده شده است خود زبان عربی نیست، بلکه کلام وحی است و در بناهای اسلامی، منسوجات، سفال‌ها و نقشینه‌های چوبی، این کلام وحی است که خودنمایی می‌کند و نه زبان عربی، و اگر زبان عربی رونق یافته، به سبب جریان آن است. برای اثبات این سخن بعد از انتقال اسلام به هند توسط ایرانیان، آثار زیبایی به زبان فارسی در هند به وجود آمد، به طوری که نسخه‌های خطی فارسی هند بعد از ورود اسلام به آنجا بیش از تعداد نسخه‌های تدوین شده در ایران است. (آزاد بخت، ۱۳۸۷: ۷۹) همچنین در هند خط نستعلیق، خط مقدسی است و گاهی برای کتابت قرآن و برخی کتیبه‌های سر در مساجد به کار می‌رود. بنابراین، این تعریف جامع و مانع نیست.

دیدگاه هنر هندسی و انتزاعی

در این دیدگاه هنر اسلامی بیانگر نظم بود که وحدت در کثرت را به وسیله نقوش هندسی و انتزاعی بیان می‌کرد. از نظر گاستون وایه، این نوع تزئین به وسیله اسلام ابداع نشد، بلکه مسلمانان آن را با نتایجی غیر منتظره اجراء کردند (وایه، ۱۳۶۳: ۶۳) نقش‌مایه اسلیمی و نگاره‌های هنری همزاد اسلام نیست، پس نسبت دادن یک فرم به هنر اسلامی، امری غیرقابل قبول است. نقش اسلیمی دیرینه‌ای طولانی دارد. این نقش که برگرفته از تاک است، در آثار سکایی به شکل هنر جانورنگاری دیده شده است (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۶۸) و اسلام از هنر رایج در جامعه بهره گرفته و آن طرح را پرداخته و به شکل اسلیمی‌هایی که امروزه می‌شناسیم، درآورده است. این تصاویر انتزاعی و طرح‌مایه‌های هندسی از خود اصالتی نداشته، به استعارات و پیام‌های الهی باز می‌گردند (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳)

هنر اسلامی هنر توحید است و با هنر تجرید متفاوت است. (الصایغ، ۱۹۸۸: ۱۲۶) این نظریه نه از جامعیت برخوردار است و نه از مانعیت؛ یعنی هنر اسلامی، نقشینه اسلیمی انتزاعی نیست و تمام نقش‌مایه‌های انتزاعی، اسلامی نیستند.

دیدگاه هنر مقدس

در این دیدگاه که برگرفته از استعارات و نمادها می‌باشد، تناقضاتی وجود دارد: از یک‌سو عدم سازگاری عده‌ای از آثار با اعداد مقدس، اعتبار آن‌ها را زیر سؤال برده است، از سوی دیگر تلاقی استعارات و روایت‌خوانی نشانه‌گرا در آثار اسلامی آن‌ها را به آثار دیگر مکاتب، همانند ساخته است. چراغ محراب که نشانه‌ای از نور خداوند سبحان معرفی شده (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۵۴) بیانگر مقام حلول است نه تجلی و قرار نگرفتن آن در سر در مسجد زیر گنبدگاه، بر تناقض این اندیشه افزوده است. شباهت محراب با حفر یهودی، (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۹۵) شباهت کعبه با تابوت عهد، و عدم هماهنگی چهارسویه کعبه با جهان جغرافیایی (همان: ۱۸) مشکلات ویژه‌ای را در این زمینه به وجود آورده؛ تا آنجا که عدم انسجام اعداد مقدس در مسجدالحرام



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

در برخی گزارش‌ها، مایه ضعف اعتباری آن در برابر مسجدالاقصی تلقی گردیده است. بنابراین، مشاهده می‌شود که نه تنها این نظریه جامع و مانع نیست، حتی نمی‌تواند تناقض درونی خویش را برطرف سازد.

دیدگاه هنر با محتوای دینی

پذیرفتن هنر اسلامی به عنوان هنری با محتوای دینی، منجر به پذیرش تمام صور هنری به عنوان پیام‌رسانی و پذیرش شمایل‌نگاری در مساجد و ابنیه مذهبی می‌شود. به عبارتی دیگر، بر اساس این نگرش باید بتوانیم تصویر حضرت علی را در مسجد نصب کنیم. این در حالی است که طرفداران این روش به تناقض این نگاه با سیره پیامبراکرم (۸) اذعان دارند. تناقض دیگری که وجود دارد، این است که گاهی برخی از آثاری که در یک سبک گنجانده می‌شود، دارای موضوع‌های مذهبی هستند و برخی نه، همانند آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای (۹) که شامل موضوع‌های ملی، حماسه‌ای و مذهبی می‌باشند، از دوره قاجار در ایران رواج یافته است. (پاکباز ۲، ۱۳۸۵: ۲۰۱) اینجا این سؤال به وجود می‌آید که آیا قسمتی از آن‌ها که موضوع مذهبی دارند، باید جزو آثار اسلامی و قسمتی که موضوع‌های حماسی دارند، هنر غیراسلامی و ملی تلقی کرد؟ هر چند آثار نامناسب چنین نگرشی به هنر اسلامی مبرهن است، لکن تلاش متفکران معتقد به این روش، فواید بی‌شماری را در جهت توسعه مبانی هنر اسلامی به همراه داشته است. این نگاه نیز در عین حال که جامع است، مانع نیست.

دیدگاه هنر اسلامی شامل همه موارد فوق

این دیدگاه به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. نگاه اجتماعی:

نگاهی که هنر اسلام را شامل همه نظریه‌ها و یا تعدادی از عناوین فوق می‌کند و این در حالی است که گونه‌گونی دستورات و برنامه‌های ارائه شده، علی‌رغم جامعیت از مانعیت برخوردار نیستند.

۲. نگاه اشتراکی:

گروه دوم صفات و ویژگی‌های مشترکی برای آثار هنر اسلامی ارائه می‌دهند. البته بسیاری از گروه‌های فوق هیچ جنبه اشتراکی با یکدیگر ندارند، لذا این تعریف نیز علی‌رغم مانعیت از جامعیت برخوردار نیست. در هر صورت، تلاش این گروه از دانشوران حاصل حرکت نمودگرایانه، در بازتعریف هنر اسلامی است، با شرایطی که تمامی موارد را شامل گردد؛ که این تلاش به‌خودی‌خود به ابهام و واگرایی تعریف‌های هنر اسلامی دامن می‌زند.

جدول (۱) تحلیل و طبقه‌بندی نظریه‌های توصیف‌کننده هنر اسلامی (نگارنده)

ردیف	نظریه‌های ارائه شده در تعریف هنر اسلامی	جامع	مانع	ردیف	نظریه‌های ارائه شده در تعریف هنر اسلامی	جامع	مانع
۱	هنر سرزمین‌های اسلامی	نیست	نیست	۵	هنر هندسی و تجریدی	نیست	نیست
۲	هنر مسلمانان	نیست	نیست	۶	هنر مقدس	نیست	نیست
۳	هنر برگرفته از نصوص دینی	نیست	است	۷	هنر با محتوای دینی	است	نیست
۴	هنر عربی	نیست	نیست	۸	هنر اسلامی شامل همه موارد	است	نیست
					هنر اسلامی شامل همه موارد	نیست	است



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲. چیستی هنر اسلامی

در بررسی‌ها و مطالعات هنر اسلامی دیده می‌شود که علی‌رغم تفاوت در تعریف، مثال‌ها یکسان است. هر یک از متفکران در تعریف هنر اسلامی، نمونه‌های یکسانی را مورد استناد قرار داده‌اند، از جمله همگی به مساجد و تزیینات آن‌ها، کتیبه‌های حکاکی شده یا قرآن‌های دست‌نویس به‌جامانده و... اشاره کرده‌اند؛ هر چند تعریف آن‌ها از هنر اسلامی یکسان نیست، به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد تفاوت در تعریف‌ها مانع از آن نشده که نمونه‌های مشترکی از سوی نویسندگان مختلف به عنوان هنر دینی معرفی شوند. به نظر می‌رسد تفاوت در برداشت‌ها و یا تعریف‌های ارائه شده، تنها در حوزه نظر و تئوری باقی مانده است و در عرصه عمل، نوعی شباهت و پیوستگی در میان نمونه‌های انتخاب شده از سوی اندیشمندان مشاهده می‌شود. تمامی این موارد نشان‌دهنده آن است که درک هنرمندانی که در این زمینه کار کرده‌اند، یک درک منسجم است. درک ایشان از هنر اسلامی یک درک فطری است و این هنرمندان با تکیه بر فطرت خود در طول تاریخ معنای صحیح هنر اسلامی را فهمیده‌اند. شباهت در نمونه‌های موردی ذکر شده در کتاب‌های مختلف، تا آنجا پیش می‌رود که ممکن است در برخی از موارد ضرورت پرداختن به موضوع را مورد سؤال قرار دهد؛ گویی تمامی هنرمندان در ضمیر ناخودآگاه خود معنای صحیح هنر اسلامی را می‌دانسته‌اند و آن چیز که در مجامع علمی مورد اختلاف است و نظرات متعددی بر آن ارائه شده، در مجامع تخصصی و عملی هنرمندان موضوعی بدیهی تلقی می‌شود. مطالعات صورت گرفته مبین آن است که هر یک از تعریف‌ها تا اندازه‌ای توانسته‌اند نشان‌دهنده چیستی هنر اسلامی باشند، اما حقیقت امر آن است که هنر اسلامی کهن‌تر از تعریف‌هایی است که درباره آن ارائه شده است. به همین دلیل علی‌رغم تفاوت در تعریف، شباهت‌هایی را می‌توان در معرفی آثار برگزیده‌ی هنر اسلامی مشاهده نمود. بنابراین، محققان باید به هنگام ارائه تعریفی از هنر اسلامی، با دقت نظر کافی به بیان هنر اسلامی بپردازند و تنها جنبه‌هایی از آن آثار را مورد بررسی قرار ندهند، بلکه به شکلی همه‌جانبه تمامی زوایای این هنر توحیدی را مدنظر قرار دهند. با توجه به تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های موجود در زمینه تعریف هنر اسلامی، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که این هنر، هنر سرزمین‌های اسلامی نیست، هر چند اغلب آثار هنری در دوران پایداری حاکمان مسلمان شکل گرفته است. هنر اسلامی، هنر مسلمانان نیست، زیرا ممکن است تمام کارهای یک فرد مسلمان، اسلامی نباشد. هنر برگرفته از نصوص دینی صرفاً هنر اسلامی نیست، این تئوری با وجود اینکه مانع است اما جامع نیست، زیرا لازم نیست تمامی مفاهیم در نصوص دینی جستجو شوند.

این گرایش با محدود کردن دایره‌ی مفاهیم اسلامی، نوعی گرایش سلفی را موجب می‌شود. هنر، عربی نیست، چرا که این کلام وحی است که مقدس است نه خود زبان عربی. هنر، هندسی و تجریدی نیست، چرا که جایگاه مفهوم و محتوا را در هنر اسلامی کم‌رنگ می‌سازد. هنر با محتوای دینی نیست، چرا که لازم است یک محتوای دینی با فرم دینی همراه شود. این دیدگاه مانع نیست که در آن صورت جایز به کشیدن شمایل پیامبران و امامان در مساجد می‌شد. اگر هنر اسلامی را شامل تمامی تعریف‌های قبلی بدانیم، نوعی پاسخ مبهم ارائه کرده‌ایم که دیگر مانع نیست و بر اساس آن، هر هنری ممکن است اسلامی تلقی شود. مطالعات صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که هر چند هنر اسلامی را به طور دقیق نمی‌توان در قالب تعریف‌های



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

فوق محدود کرد، هر یک از تعریف‌های فوق تا حدّ قابل توجهی مفهوم هنر اسلامی را توضیح می‌دهند. تعریف‌ها جامع و مانع نیستند، اما در هر یک از آنها تا حدّ قابل توجهی مفهوم هنر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

نکته قابل توجه آن است که برخلاف تنوع در تعریف‌های ارائه شده، نمونه‌های معرفی شده به عنوان هنر اسلامی از نوعی شباهت خانوادگی برخوردارند. شباهتی که ممکن است اعضای یک خانواده، در عین تنوع و گونه‌گونی داشته باشند. تمامی این موارد نشان‌دهنده‌ی آن است که تعریف هنر اسلامی یک تعریف شهودی است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت هنر اسلامی، هنر توحید است؛ هنر هنرمندانی است که با تمام وجود خویش مفهوم هنر اسلامی را درک کرده‌اند و براساس آن، هر یک در شاخه‌ای که مهارت داشته‌اند، دست به هنرنمایی زده‌اند؛ تجلّی مفهوم وحدت در کثرت، و آثاری که با عنایت به مفاهیمی واحد، جلوه‌های گونه‌گون و متنوعی از آثار هنری را خلق کرده‌اند و با هنر خود جامعه‌های اسلامی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

جدول (۲) تحلیلی نظریه‌ها، و رویکردهای نظری و عملی در تعریف هنر اسلامی

ردیف	تعریف هنر اسلامی	رویکرد تعریف	موضوع مورد بحث
۱	هنر سرزمین‌های اسلامی	مکان ساخت اثر	جغرافیا و زمینه ساخت
۲	هنر مسلمانان	طراح و سازنده اثر	نیت و اعتقادات سازنده
۳	هنر برگرفته از نصوص دینی	متون حدیثی و نص قرآن مجید	تفسیر آیات و روایات
۴	هنر عربی	مبدأ شکل‌گیری اثر هنری	رابطه اثر با شبه جزیره عربستان
۵	هنر هندسی و تجریدی	تکنیک و شیوه طراحی و ساخت اثر	ابزار و نحوه بیان اثر
۶	هنر مقدس	رمزگان و نمادهای فرمی و شکلی	شناسایی کاربرد تناسبات و اعداد مقدس
۷	هنر با محتوای دینی	عملکرد و تأثیرهای اثر هنری	حیطه تأثیرگذاری اثر بر مخاطب
۸	هنر اسلامی شامل همه موارد	با دو رویکرد اشتراکی و اجتماعی	شامل شدن تمامی موضوع‌ها و یا سهم اشتراکی میان آنها

مهمترین ویژگی‌های هنرهای اسلامی که تقریباً در تمامی دوران‌های حکومت اسلام به صورت امری ثابت تکرار شده عبارتند از:

۱. سطوح پر از تزئین

اولین ویژگی هنرهای اسلامی که در نگاه نخست جلوه می‌کند، عدم حضور بخشی خالی از تزئین در اثر هنری است. به طرز باورنکردنی گویی هنرمند اسلامی وحشتی از تهی بودن صفحه داشته و در نتیجه از هر سطح بدون تزئینی دوری جسته است. در هنر اسلامی، سطوح مختلف جدای از موضوعات گوناگون اساساً پوشیده از تزئیناتی است که اغلب در مقیاس‌های کوچک و به صورت ترکیبی از انواع مختلف تزئینات هستند. برخی مفسرین هنر اسلامی این سطوح پر تزئین را نتیجه منع تصویرگری انسانی و حیوانی می‌دانند که به رغم وجود آیه‌ای مشخص در کتاب مقدس قرآن، در تمام تاریخ هنر اسلامی رایج و مرسوم بوده است.

۲. وجود عنصر خط و خوشنویسی عربی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مسئله بعدی که تقریباً در تمامی هنرهای اسلامی شایع و معمول است، استفاده از خط عربی و نگارش آیات مقدس در بستر اثر هنری است. معجزه پیامبر مکرم اسلام، کتاب مقدس قرآن است؛ کتابی تغییرناپذیر که تمامی نیازهای حال و آینده بشر را پاسخ داده و مراجعه به آن قلب و روح را آرامش می بخشد. از همین رو بیراه نیست که هر اثری با نگارش آیه ای بر آن تبرک یابد و به وادی معنویت وارد گردد.

۳. استفاده از نقوش اسلیمی

علاوه بر نوشتار عربی، یک نوع از پیچش تاکی، معروف به اسلیمی، از طرح های تزئینی اصلی اسلامی است. این نقوش متنوع اسلیمی در بسیاری از هنرهای اسلامی از تزئینات کتاب، نقش قالی، کاشی تا نقوش ظروف دیده می شود. استفاده از نقوش اسلیمی که اغلب با عناصر پیکره ای، کتیبه ای و هندسی ترکیب می شود، موجب خلق ریتم و تداوم بصری در کل دامنه یک اثر شده و پیچیدگی طرح اسلامی را تقویت می کند.

۴. کاربست هندسه

چهارمین عنصر اساسی در هنر اسلامی هندسه است. به رغم این که تزئین هندسی در منسوجات و سفال های دوره یونان و روم باستان یافت می شود، اما این نوع تزئین نقش برجسته ای در طرح های اسلامی پیدا کرده است. شکل ستاره ای و چند ضلعی در تمام هنرها حضور دارد و منبعی از تزئینات معماری را فراهم آورده است. مانند نقش اسلیمی این طرح های هندسی با آن گره های ساده و طومارهای اسلیمی نقوشی متنوع را ساخته اند که در ترکیب با نقوش حیوانی، انسانی و خطوط خوشنویسی به طرز خیره کننده ای زیبا و مسحور کننده اند و نوعی از تزئین را بوجود آورده اند که منحصر به هنر اسلامی است و در هیچ هنر دیگری نظیر ندارند.

-جمع بندی و نتیجه گیری

برای اجرای هر طرح معماری سه عنصر اجتماعی لازم است ۱-جامعه ای که به آن طرح نیازمند است ۲- شخص یا اشخاصی که از اجرای طرح حمایت می کنند و هزینه مالی آن را متعهد شوند ۳-معمار یا استاد کارانی که طرح را اجراء می کنند. برای ساخت بناهای مذهبی و غیر مذهبی می باستی از علائم هندسی و ریاضی و طراحی استفاده نموده است. کاردان در طی قرن های متمادی با بهره گیری از این علوم توانسته اند

شاهکارهایی در هنر معماری بوجود بیاورند لکن در کتابهای تاریخی دوره اسلامی مطالب مهمی درباره ساخت بنا ها بیان شده تنها نمونه های قابل ذکر نقاشی منسوب به بهزاد در تاریخ ۸۷۲ هجری در ظفر نامه و خمسه نظامی است این نقاشیها در حال حاضر در دانشگاه ها بیکه نفر آمریکا نگهداری می شود که در آنها نحوه ساخت مسجد جامع تیمور و همچنین کاخ خورنق به شیوه مینیاتور به تصویر کشیده شده برخی محققان عقیده دارند که علت نبود مطالب سودمند در باره معماران دوره اسلامی و روشهای طراحی و ساختمانی آنها این است که معماران در مقایسه با شاعران و فیلسوفان کمتر مورد توجه قرار گرفته بودند که به نظر می رسد این مطلب درست نباشد چرا که در عصرهای مختلف برای ساخت محلهای عبادی و تجاری و مسکونی به معمار و استاد کار نیاز ضروری وجود داشته است(شکاری نیز، ۱۳۷۸). مورخان اسلامی چون بیهقی ابن خلدون و ... مطالب با ارزشی درباره معماری و معماران نوشته اند مثلاً اینکه معماران با علوم ریاضی و هندسه آشنا بوده اند. معماران، استادکاران بنایان و دیگر گروههای وابسته به علوم معماری با آگاهی کامل از فن معماری و با ابتکار و ابداعات خاص خود و الهام از عقید دینی فضای معماری ایران را شکوهی جاودانه بخشیدند. مسئولیت ساخت بنا به عهده گروههای متعددی بود مثلاً گروهی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ساختمان را تا مرحله سفت کاری و گروهی مسئول تزئینات بنا مانند گچ بری، کاشیکاری بوده اند معماران ایرانی به دلیل فروتنی که داشتند نام خود را بر بناها ثبت نمی کردند به جز تعدادی بنای اندک (سعیدیان و همکاران، ۱۳۹۰).

هنر اسلامی از هنر دیگر فرهنگ ها چه در شکل و تصویر، عناصر و عوامل تشکیل دهنده و حتی در موضوع و مفهوم نیز متفاوت است. به عنوان مثال فیلیپس^۱ (۱۹۱۵) معتقد است که هنر اسلامی درکل و اساسا به مقوله رنگ توجه دارد برخلاف هنر غرب که علاقه بیشتری به شکل و تصویر دارد. او توضیح می دهد که هنر شرق دارای ویژگی های زنانه، احساسی است و تقریبا مقوله رنگ در آثار هنری اسلامی اهمیت خاصی دارد، در حالی که هنر غرب دارای ویژگی های مردانه، عقلانی می باشد و بر اساس طرح های انعطاف پذیر و شکل پذیر و بی اعتنا به رنگ ایجاد می شود. البته نظرات فیلیپس انعکاس تعصبات فرهنگی و هنری است. هنر اسلامی هرگز فقدان استدلال و اندیشه را حتی در ساده ترین طرح های هنری نیز شاهد نبوده است. در همه اشکال هنر اسلامی پیام های آشکار و نهان بسیاری یافت می شود که دعوت به مشاهده و یادگیری می کند. بورگوین^۲ (۱۸۷۹). به عبارت دیگر اشکال و تصاویر هنر یونان باستان، ژاپن و مسلمانان را مقایسه می کند و آنها را به ترتیب به سه مقوله شامل حیوانات، گیاهان و کانی ها تقسیم می کند. از نظر او، هنر یونان بر اشکال و تصاویر متناسب و انعطاف پذیر و بر ساختار بدن انسان و حیوانات تاکید می کند. به عبارت دیگر، هنر ژاپنی ها، بر عناصر گیاهی تاکید دارد که به اصل رشد و زیبایی برگها و شاخه ها اشاره دارد. اما ویژگی هنر اسلامی تشابه میان طراحی هندسی و فرم های کریستال است. تفاوت اساسی بین هنر اسلامی و هنر دیگر فرهنگ ها اینست که بر اشکال و تصاویر نابی که در مقابل اشیاء طبیعی قرار دارند، تمرکز می کند. این تصاویر اشکال و الگوهای متنوعی را ایجاد می کند. پریس^۳ (۱۸۷۸) هنر اسلامی را به سه دسته، منقش به گل، اشکال هندسی و هنر خوشنویسی طبقه بندی کرده است. بورگوین (۱۸۷۳) طبقه بندی دیگری را پیشنهاد کرده است که شامل استالاکتیت های تزئینی، آرابسک و دیگر اشکال می باشد. در ارتباط با تزئینات مورد علاقه ما، متمرکز می شویم به سه نوع تزئین که به وسیله پریس پیشنهاد می شود، که یکی یا تنها یا هر دو، به طور کلی، مانند سفال سازی، کوزه گری، گچ بری یا نساجی است.

منابع و ماخذ

- آزاد بخت، مجید، ۱۳۸۷، درک عمومی هنر ۲، انتشارات کانون فرهنگی آموزشی، تهران
- اتینگهاوزن، ریچارد والگ گرابر، ۱۳۷۸، هنر و معماری اسلامی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، انتشارات سمت
- الصایغ، سمیر، ۱۹۸۸، الفن الإسلامی، بیروت، دارالمفرقه. (به نقل از دکتر زهره کاظمی (زهره رهنورد))
- بورکهارت، تیتوس، ۱۳۶۵، هنر اسلامی، زبان بیان، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات سروش.
- بورکهارت، تیتوس، ۱۳۷۶، هنر مقدس، ترجمه: جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش.

¹ Philips

² Bourgoin

³ Prisse



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

- بورکهارت، تیتوس، ۱۳۷۶، ارزش‌های جاویدان هنر اسلامی، ترجمه: حسین نصر، مجموعه مقالات هنر معنوی، تدوین علی تاج‌دینی، تهران، نشر مطالعات دینی هنر.
- پرایس، کریستین، ۱۳۶۴، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- دوری، کارل، جی، ۱۳۶۸، هنر اسلامی، ترجمه: رضا بصیری، تهران، انتشارات یساولی-فرهنگسرا.
- رهنورد، زهرا، ۱۳۷۴، حکمت هنر اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- کونل، ارنست، ۱۳۵۵، هنر اسلامی، ترجمه: هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، ۱۳۸۱، هنر اسلامی در چالش مفاهیم معاصر و افق‌های جدید، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۲.
- نصر، حسین، ۱۳۷۵، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه: رحیم قاسمیان، تهران، نشر دفتر مطالعات دینی هنر.
- نقی‌زاده، محمد، ۱۳۸۲، ویژگی‌ها و مبانی زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۲.
- هسپرز، جان، اسکراتن، راجر، ۱۳۷۹، فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه.
- هیلمن براند، رابرت، ۱۳۷۷، معماری اسلامی، ترجمه: ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری
- افشار، ابراهیم (۱۳۸۵). «کتابشناسی»، دایرةالمعارف‌فکتابداریو اطلاع‌رسانی. تهران: کتابخانۀ ملی جمهوری اسلامی ایران.
- انوشه، حسن (۱۳۷۵). دانشنامه ادب فارسی. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه.
- رئیس‌یان زاده، حمیرا (۱۳۹۲). کتابشناسی و مقاله‌نامه هنر و موزه‌داری. زیر نظر اداره پژوهش و معرفی آثار معاونت امور موزه ها؛ ویراستار سمانه غفاریان. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- سلطانی، پوری و راستین، فروردین (۱۳۷۹). دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: فرهنگ معاصر.
- کتاب مقدس: ۱۳۸۰، عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه: فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرین، انتشارات اساطیر.
- پاکباز، رویین (۱)، ۱۳۸۵، دایرةالمعارف هنر، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- پاکباز، رویین (۲)، ۱۳۸۵، نقاشی ایران: از دیروز تا امروز، تهران، انتشارات زرین و سیمین.
- پرایس، کریستین، ۱۳۶۴، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- پینگ، لیوجی، ۱۳۷۳، معماری اسلامی در چین، ترجمه: مریم خرم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دوری، کارل، جی، ۱۳۶۸، هنر اسلامی، ترجمه: رضا بصیری، تهران، انتشارات یساولی-فرهنگسرا.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

- رهنورد، زهرا، ۱۳۷۴، حکمت هنر اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- سوسور، فردینالدو، ۱۳۷۸، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه: کورش صفوی، تهران، انتشارات هرمس.
- کونل، ارنست، ۱۳۵۵، هنر اسلامی، ترجمه: هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس.
- کیانی، محمد یوسف، ۱۳۷۴، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- گیدویون، زیگفرید، ۱۳۸۳، فضا، زمان، معماری، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- نصر، حسین، ۱۳۷۵، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه: رحیم قاسمیان، تهران، نشر دفتر مطالعات دینی هنر.
- نقی‌زاده، محمد، ۱۳۸۲، ویژگی‌ها و مبانی زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۲.
- وایه، گاستون، ۱۳۶۳، هنر اسلامی در سده‌های نخستین، ترجمه: رحمان ساوجی، چاپ اول، چاپ مسطح چاپخانه گیلان.
- هسپرز، جان، اسکراتن، راجر، ۱۳۷۹، فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه.
- هیلمن براند، رابرت، ۱۳۷۷، معماری اسلامی، ترجمه: ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، ۱۳۸۱، هنر اسلامی در چالش مفاهیم معاصر و افق‌های جدید، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۲.
- احمدی. فریال، صادقی. علی‌رضا، (۱۳۸۹)، «بررسی مفهوم هویت در معماری قدسی»، کتاب ماه هنر، شماره ۴۸، ۱۱۱-۱۰۶.
- اردلان. نادر، بختیار. لاله، (۱۳۸۰)، حسوحات: سنتعرفانیدرمعماریایرانی، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، انتشارات خاک.
- اعوانی، غلامرضا، (۱۳۷۵)، حکمت و هنر معنوی، تهران: انتشارات گروس.
- اسلامی، سید غلامرضا، (۱۳۹۲)، مبانی نظری معماری، تهران، مؤسسه علم معمار.
- افلاطون، (۱۳۳۷)، جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، ترجمه و نشر کتاب.
- اکبری، رضا، (۱۳۸۴)، «ارتباط وجودشناسی و زیبایی‌شناسی در فلسفه ملاصدرا»، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۰۲-۸۸.
- انصاری، خواجه عبدالله، (۱۳۴۴)، کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، به اهتمام علی‌اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- آیوازیان، سیمون، (۱۳۷۶)، «حفظ ارزش‌های معماری سنتی در معماری معاصر ایران»، مجله دانشکده هنرهای زیبا، شماره ۲، دانشگاه تهران.
- بمانیان. محمدرضا، پورجعفر. محمدرضا، احمدی. فریال، صادقی. علیرضا، (۱۳۸۹)، «بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در مساجد شیعی»، نشریه شیعه‌شناسی، شماره ۳۱.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

- بورکهارت، تیتوس، (۱۳۴۷)، *مد/اخلی بر اصول و روش هنر دینی*، مجموعه مقالات هنر معنوی، تهران: مطالعات دینی هنر.
- -----، (۱۳۷۲)، *نظری بر اصول و فلسفه هنر اسلامی*، ترجمه دکتر غلامرضا اعوانی، از مجموعه مبانی هنر معنوی، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- پورمند. حسنعلی، بمانیان. محمدرضا، مهدی نژاد. محمدجواد، صمدزاده. سپیده، (۱۳۹۴)، «بررسی نمود ارزش‌های اخلاقی در معماری سنتی شهرهای کویری ایران: نمونه موردی شهر یزد، جامعه‌پژوهی فرهنگی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، صص ۵۹-۸۸.
- جعفری، [علامه] محمدتقی، (۱۳۶۹)، «زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام»، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، صص ۱۳-۱۶.
- حق‌طلب. طاهره، کاروان. فرهاد، (۱۳۹۱)، «مسجد، تجلی‌گاه معماری قدسی»، نشریه هفت حصار، شماره اول، صص ۲۸-۲۱.
- خاتمی، محمود، (۱۳۹۰)، *پیش‌درآمد فلسفه‌ایبرایهنر ایرانی*، ویرایش فنی عباس رکنی، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متین.
- خزایی، محمد، (۱۳۸۰)، «نقش شیر امام علی (ع)»، کتاب ماه هنر، شماره ۳۱-۳۲، فروردین و اردیبهشت، صص ۳۹-۳۷.
- خمینی، [امام] روح‌الله، (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی،
- دوری، کارل. جی، (۱۳۶۸)، *هنر اسلامی*، ترجمه رضا بصیری، تهران، انتشارات یساولی - فرهنگسرا، چاپ دوم.
- رهنورد، زهرا، (۱۳۸۴)، *حکمت‌هنر اسلامی*، تهران: انتشارات سمت.
- رید، هربرت، (۱۳۵۱)، *معنی هنر*، ترجمه نجف دریا بندی، تهران، کتاب‌های جیبی.
- سادات، محمدعلی، (۱۳۸۲)، *اخلاق اسلامی*، تهران: نشر سمت.
- سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۰)، *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران، انتشارات طهوری.
- سرتیپی‌پور، محسن، (۱۳۸۷)، «بن‌مایه‌های هنر اسلامی در اندیشه تیتوس بورکهارت»، نشریه صفا، دوره ۱۷، شماره ۴۶، ۱۰۰-۹۱.
- سعیدیان. امین، قلی. مجتبی، زمانی. احسان، انصاری. مجتبی، (۱۳۹۰)، «بازشناخت چگونگی شکل‌گیری گنبد اورچین با تاکید بر ساختار و معماری»، فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی، شماره ۵، ۶۵-۴۷.
- شریعتی، علی، (۱۳۵۹)، *تاریخ و شناخت ادیان*، جلد دوم، تهران: دفتر تدوین مجموعه آثار دکتر علی شریعتی.
- -----، (۱۳۸۵)، *چهار زندان*، تهران: انتشارات قلم.
- شکاری نیز، جواد، (۱۳۷۸)، «تبیین ویژگی‌های معماری و خصوصیات کالبدی و هنر قدسی مساجد دوران اسلامی»، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد گذشته، حال، آینده، تهران: دانشگاه هنر.
- فاضلی. نعمت‌الله، (۱۳۸۷)، «مسجد و مدرنیته: مروری تحلیلی و جامعه‌شناختی به گفتمان‌های مسجد در ایران»، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی.
- فرشید نیک. فرزانه، افهمی. رضا، آیت‌اللهی. حبیب‌الله، (۱۳۸۸)، «نشانه‌شناسی قالی محرابی: بازتاب معماری مسجد در نقش فرش»، فصل‌نامه علمی پژوهشی انجمن علمی فرش ایران؛ شماره ۱۴.
- کاظم پور. زینب، اکبری. علی، (۱۳۹۲)، «ظهور مجدد گنبد در معماری ایران پس از اسلام و تجلی باورهای اعتقادی و مفاهیم عرفانی در آن، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری»، تبریز، ایران.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

- کاظمی. سید محمد، کلانتری خیلی آباد. حسین، (۱۳۹۰)، «ابزارهای پیام‌رسانی معنوی در معماری مسجد با تاکید بر نقش ایدئولوژی اسلامی»، فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۴۶-۳۱.
- کانت، ایمانوئل، (۱۳۶۹)، بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق، ترجمه عنایت، تهران: نشر خوارزمی.
- گنجور. مهدی، امامی‌جمعه. سید مهدی، (۱۳۸۹)، «زیبایی‌شناسی فلسفی و تحلیل نظریه «اصالت زیبایی» در حکمت مطهر، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام»، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۴/۲، صص ۱۴۶ - ۱۲۵.
- لاهیجی، محمد، (۱۳۳۷)، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، به کوشش کیوان سمیعی، تهران: انتشارات محمودی، ص ۵.
- محمد شیرازی، صدرالدین (ملاصدرا)، (۱۳۵۴)، المبدأ والمعاد، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- -----، (۱۳۷۵)، الشواهد الربوبیه، ترجمه و تفسیر جواد مصلح، تهران: انتشارات سروش.
- -----، (۱۴۱۰)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱.
- محمدیان منصور، صاحب، ۱۳۸۶، «سلسله‌مراتب محرمیت در مساجد ایرانی»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صص ۶۸-۵۹.
- مددپور، محمد، (۱۳۸۷)، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۶)، فلسفه اخلاق، تهران: نشر صدرا.
- -----، ۱۳۹۱، مجموعه آثار، جلد ۳، انتشارات صدرا.
- مک‌ایتایر، السدیر، (۱۳۷۹)، تاریخچه فلسفه اخلاق، ترجمه رحمتی، تهران: نشر حکمت.
- مهدوی نژاد، محمدجواد، مشایخی. محمد، (۱۳۸۹)، «بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی - اجتماعی، نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر»، شماره ۵.
- موسوی، سیدیاسر، (۱۳۹۲)، «معماری قدسی و هنر معنوی»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۸، صص ۷۰ - ۶۶.
- ندیمی، هادی، (۱۳۷۸)، حقیقت‌نقش، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نصر، سید حسین، (۱۳۸۱)، معرفت و معنویت، ترجمه انشا... رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- -----، (۱۳۸۰)، معرفت‌وامرقاسی، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- -----، (۱۳۷۶)، صدرای شیراز در تاریخ و فلسفه اسلامی، به کوشش محمد شریف، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نظیف. حسن، (۱۳۹۲)، «پایداری اندام‌های ایرانی در گذار از دوران اسلامی»، فصل‌نامه هنر و معماری باغ نظر، شماره ۲۴.
- هاشم‌نژاد. حسین، نعمتی. سیدجواد، (۱۳۹۰)، «زیبایی‌شناسی در فلسفه صدرالمتألهین»، نشریه فلسفه، سال ۳۹، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۳۷.

- Budd·Malcolm، (2008).The Aesthetics.in The Routledge Encyclopedia Edited by Bery Gaut and Dominic Goldman·Mclver Lopes.
- Goldman Alan،(2008)·The Aesthetic in: The routledge companion to Aesthetic.Edited by Bery Gaut and Dominic Mclver Lopes.
- langfeld. H.S The Aestheti Attitude. (1920). New york.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



- Arnold Sir Thomas (walker), Painting in Islam, Oxford University Press, oxford, 1928/R. 1965.
- Atasoy, Nurban, And Afif Babnassi Michel Rogers, The Art of Islam, nesco(text)-Flammarion (publications), 1990.
- Aston, Elaine, and George Savora, Theatre as Sign-System: A Semiotics of Text and Performance, Routledge Press London, 1991.
- Dictionnaire Encyclopedique QUILLET, Raoun Mortier Libraire Aristide Quillet, Paris, 1965.
- Eliad, Mircea; Encyclopedia of Religion; V.6, New York, MacMillan Publishing, 1987.
- Encoclopedia of World Art, Vol.VII, McGraw-Hill Book Company, England. London, New York, Toronto, 1963.
- Graber, Oleg, The Fromation of Islam Art, Yale University, Press, New Haven and London, Paris, 1973.
- Grand Larousse Encyclopedique, Vol.6, Auge Gillon, Endix Vilumes, Librairie Larousse, Paris, 1962.
- Hoag, JohnD, Islamic Architecture, by Academy Editions, Faber and Faber/ Elacta Publishers, London, 1979.
- Kosh, Ebba, Mujhal Architecture, outline of its History and Development 1526- 1858, Prestel publication, 1991.
- Pinder, Ralph, Wilson, Studies in The Islamic Art, The Pinder press, London, 1985.
- Talbot rice, David, Islam Art, Thomes and Hudson Press (H&D), London, 1986.
- Vernoit, Stephen, Discovering Islamic Art, Scholars, Collectors and Collectors, 1850- 1950.